

تحلیل گفتمان معنای توسعه جوامع روستایی در برنامه‌های پنج

ساله دولت بعد از انقلاب اسلامی در ایران

دکتر منوچهر کردزنگنه^۱، دکتر فریدون وحید^۲ و دکتر علی اصغر مهاجرانی^۳

تاریخ وصول: ۹۸/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۱۴

چکیده:

هدف اصلی این مطالعه تحلیل گفتمان توسعه جامعه روستایی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی است. قلمرو تحقیق سه دولت کارگزاران، اصلاحات و اصول‌گرایی را (۱۳۶۸-۱۳۹۲) شامل می‌شود. گزاره‌ها، یا رخداد ارتباطی در قالب متن برنامه‌های ۵ ساله توسعه و برخی نوشته‌های جریان‌های سیاسی که هر دولت برآمده از آن بوده، جمع‌آوری شده است. نوع تحقیق کیفی است، از تلفیق تحلیل گفتمان انتقادی فرکلان و لاکلاو و موفه به عنوان چارچوب مفهومی و روش تحقیق بهره گرفته شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در عرصه منازعه سیاسی از طریق تمایز «ما» و «آنها» طرد و حاشیه‌رانی صورت گرفته است. سپس هژمونی گفتمان غالب در منازعه بر معنای توسعه تعیین‌کننده بوده است، که فرضیه تحقیق را پشتیبانی می‌کند. یافته نشان می‌دهد که گفتمان توسعه روستایی متأثر از گفتمان کلان در هر سه دولت، بر مدلول، دال «عمران روستا» توسعه با معنای «نوسازی»، صورت‌بندی شده است. گزاره‌ها نشان می‌دهد که کشاورزی، تولید، اشتغال پایدار و صنعت در گفتمان هر سه دولت، دال‌های شناور بوده، ولی تأکید و معنا مترتب بر آنها یکسان نبوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از جمله عوامل تبیینی مؤثر بر معنای توسعه روستا در گفتمان دولت‌ها، رویکرد از بالا به پایین، اتکاء به اقتصاد نفتی یا «نفت حکومتی»، پیشینه اقتصاد روستایی، کم‌رنگ بودن فرایند توسعه از پایین و بخشی‌نگری قابل تأمل بود. نگاه از پایین به بالا به توسعه در دولت اصلاحات پررنگ‌تر بوده است. گستره عمران یا نوسازی روستایی در گفتمان دولت‌های بعد از انقلاب بسیار چشمگیر بوده است. اما به دلیل پیامد گفتمانی در نتیجه معنای مترتب بر توسعه روستایی متأثر از گفتمان دولت‌ها، از جمله، فقر و نابرابری و خالی شدن روستاها که موجب افزایش حاشیه‌نشینی و فرودستان شهری گردیده بود، به دشواری فرایند راه توسعه منتهی شده است.

مفاهیم کلیدی: تحلیل گفتمان، توسعه اقتصادی، جوامع روستایی، برنامه‌های پنج ساله، دولت‌ها، انقلاب اسلامی ایران

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد شوشتر، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول)
m.kord@ymail.com

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد واحد دهقان، دهقان، ایران f.vahida@gmail.com

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد واحد دهقان، دهقان، ایران a.mohajerani@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

هدف اصلی این پژوهش تحلیل گفتمان توسعه‌ی جامعه‌ی روستایی در برنامه‌های توسعه‌ی دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد. گفتمان دهه‌ی اول انقلاب که با تب ایدئولوژی و شور همراه بود، و خود را انقلاب فرودستان نامید، با گفتمان اقتصاد مبتنی بر بازار بنیاد لیبرالیسم جهانی تخصصی گفتمانی پیدا کرد (شعار «مرگ بر لیبرالیسم، جاده صاف کن امپریالیسم، نه شرقی نه غربی و ...»). بروز اتفاقات دیگری مانند جنگ، منازعات گفتمانی سیاسی در داخل، کم تجربگی مدیران و هژمونی نشدن گفتمان انقلاب؛ سبب شد، دولت یک دهه فاقد برنامه‌ی توسعه باشد. محمدعلی نجفی که خود از چهره‌های جمهوری اسلامی است و از طراحان و کارشناسان سه برنامه‌ی اول تا سوم توسعه بوده است، می‌گوید: «... خوب به خاطر دارم، یکی از وزیران در همان دور اول تعریف می‌کرد، در روز اول وزارت وقتی منشی دفتر وزارتت گفت این کار تابل شماس و باید این نامه‌ها را پاراف کنید من معنی کار تابل و پاراف را نمی‌دانستم. ما فاقد تجربه برای اداره‌ی کشور بودیم ... وقتی انقلاب پیروز شد، یک تر و الگوی اقتصادی روشن نداشتیم» (نجفی، ۱۳۸۵: ۳۵۹-۳۵۸). معنای توسعه در بعد از انقلاب تا اکنون با سیر چرخش معنایی همراه بوده است. این چرخش اولاً بیانگر آن است که رسیدن به سطحی از معنای توسعه در ایران، در قیاس با گفتمان جهانی توسعه فاصله وجود دارد. دوم اینکه در ایران بر سر اولویت معنای توسعه، در گفتمان گونگی یا میدان گفتمان‌های توسعه، منازعه و طرد وجود دارد، برای فهم و واکاوی چرخش معنای توسعه روش تحلیل گفتمان انتقادی مناسب است تا معنای گفتمانی هر عصر به توسعه مورد واکاوی قرار گیرد. از سوی دیگر، از منظر کمی هم نتایج نشان می‌دهد که برنامه‌های پنج ساله در دسترسی به پیش بینی‌های تعریف شده ناکام بوده‌اند. اقتصاد ایران هنوز یک اقتصاد نفتی شدیداً دولتی است و طی این چهار برنامه نتوانسته بر مشکلات ساختاری خود غلبه کند. هنوز به پیشرفت‌های مختلف اقتصاد که حاصل آن توان رقابت در بازارهای جهانی باشد تبدیل نشده است (دلفروز، ۱۴۳: ۱۳۹۳). در این میان، معنای توسعه در نگاه به روستا تابعی از گفتمان کلان بوده و معمولاً در فراز و نشیب قرار داشته است. قدرت سیاسی همیشه بر حوزه‌ی اقتصادی تأثیرگذار و تعیین کننده بوده، و هر گونه تحول گفتمانی در حوزه‌ی اقتصادی متأثر از تغییرات گفتمانی در بعد سیاسی بوده است. توسعه برخاسته از زمینه‌های اجتماعی و تاریخی هر کشور می‌باشد که در این تحقیق گفتمان گفته می‌شود. در ایران هم جهت نیل به این آرمان یعنی توسعه، دولت‌ها با تدوین برنامه‌های پنج ساله توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی عمل کرده‌اند که از

سابقه بیش از نیم قرن برخوردارند و اولین برنامه‌ی توسعه در سال ۱۳۲۷ شمسی تحت عنوان برنامه‌های عمرانی کشور تدوین و به اجرا گذاشته و تا به امروز ۱۰ برنامه‌ی میان‌مدت توسعه تدوین گردیده است. از آنجاییکه روش تحلیل گفتمان انتقادی نقش حمایت‌گری از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی و مناطق کمتر توسعه‌یافته، و در نتیجه مبارزه با نابرابری و تبعیض را به عهده می‌گیرد. می‌کوشد تا روابط پنهان قدرت را آشکار کند (قجری، و دیگران، ۱۳۹۲:۱۲۱). چنین روشی می‌تواند نقدی روشن‌گرانه در راستای اصلاح بی‌عدالتی و نابرابری که خود یکی از پیامدهای توسعه‌ی ناموزون و نوعی معنای توسعه در یک گفتمان است کمک نماید. با تبیین نظم گفتمانی و سپس مقایسه‌ی معناهای گفتمانی توسعه و نتایج آنها در جامعه در قالب فرایندهای اجتماعی و حمایت دانش و نظریه‌های اجتماعی، می‌تواند گامی در راستای عدالت و رفاه همگانی صورت گیرد. درک مناطق پیرامون و در حاشیه از همین منظر قابل واکاوی نیز می‌باشد. چون تحلیل گفتمان در پی شناخت معنا از طریق مفصل‌بندی گفتمان را دارد. این رساله در پی درک معنای توسعه‌ی مرتبط با جامعه‌ی روستایی در هر گفتمان حاکم بر برنامه است و بر اینکه یک گفتمان چگونه یک معنای توسعه را برجسته و معنای دیگر که مورد توجه گفتمان رقیب است را به حاشیه رانده است، تأکید دارد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

از دیدگاه تحلیل‌گران، گفتمان بیانگر ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی چیزهایی است که گفته شده و نیز آنچه ناگفته می‌ماند. چرا که گفتمان‌ها، تنها منعکس‌کننده‌ی فرآیندهایی که در بخش‌های دیگر جامعه از قبیل اقتصاد یا سیاست در جریانند نیستند. در مقابل، گفتمان‌ها عناصر و اقدامات مربوط به همه‌ی بخش‌های جامعه را بهم ربط می‌دهند. معنای از درون گفتمان‌ها پدیدار می‌شوند و هر کردار و متنی در درون گفتمان معنی می‌یابد. ارزیابی و تحلیل گفتمانی باعث تقویت نگرش جامع و سازمان یافته است، که در آن مشکلات ساختاری و کارکردی نظام اجتماعی مشخص و شفاف می‌شود؛ لذا انجام این پژوهش با روش تحلیل گفتمان به روشن شدن ابعاد و زوایای پنهان تئوریک برنامه‌ی توسعه‌ی فراگیر کمک شایانی می‌کند. تبعیض و نابرابری‌ها را آشکار کرده، در نتیجه چنین تحقیقی می‌تواند به اصلاح نگاه به اولویت و معنای توسعه در راستای کاهش بی‌عدالتی و نابرابری در رابطه پیرامون و متن کمک نماید.

پرسش دقیق

بنابراین این رساله متناسب با پرسش‌های فوق بر یک فرضیه استوار است، که عبارت از معنا و چرخش معنای توسعه‌ی اقتصادی از جمله بنیاد تخصم و منازعه و غیریت‌سازی گفتمان‌های سیاسی بوده است، که از طریق قطب‌بندی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در فرایند امر سیاسی جاری بود، با شکل‌گیری یا هژمونی گفتمان مسلط منازعه، معنای توسعه‌ی اقتصادی در قالب رخدادهای ارتباطی (متن) یا همان تدوین برنامه‌ی توسعه، نمود پیدا کرده است. توسعه‌ی جامعه‌ی روستایی ضمن فراز و نشیب در پیرامون بوده است.

روش‌شناسی پژوهش

نوع تحقیق کیفی، و روش آن تحلیل انتقادی گفتمان است. قلمرو تحقیق متن برنامه‌های توسعه در سه دولت بعد از انقلاب بوده است. نمونه‌گیری با روش هدفمند صورت گرفته است. به پشتوانه‌ی نظریه‌های مترتب بر رساله و فرضیه‌ی آن چنین متصور است، که گفتمان توسعه‌ی اقتصادی متأثر از منازعه است، در نتیجه امر سیاسی، فرایند بساخته‌بودن گفتمان و سپس تبدیل حقیقت به امر گفتمانی در قالب رخداد ارتباطی نمود پیدا می‌کند. در راستای فرضیه و پرسش‌های این رساله از مفاهیم روش تحلیل انتقادی فرکلاف با نظریه گفتمان لاکلاو و موفه تلفیق صورت گرفته است. از آنجا که نظریه‌ی روشی فرکلاف در سطح خرد زبانی می‌باشد و به تبیین متن‌ها بیشتر پرداخته است، برای تبیین پدیده‌های گفتمانی در سطح کلان به نظریه‌ی گفتمان لاکلاو و موفه که دارای مبانی روش‌شناختی نیز است، نیز رجوع می‌کنیم. در این رساله از این دو روش بصورت همزمان استفاده شده است.

قلمرو پژوهش

- ۱) از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۶ (دولت کارگزاران سازندگی)؛ برنامه‌ی اول و دوم توسعه.
- ۲) از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ (دولت اصلاحات)؛ برنامه‌ی سوم و چهارم توسعه.
- ۳) از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ (دولت عدالت‌محور اصول‌گرا)؛ برنامه‌ی پنجم توسعه.

پیشینه پژوهش

❖ مروری کوتاه بر برخی رویکردهای نظری به جامعه‌ی روستایی در ایران اشاره می‌شود. از نظر علمداری کمبود آب یکی از اساسی‌ترین معضلات کشاورزی در ایران بود. به شیوه‌ی تولید فئودالی در اروپا برمی‌خوریم که هسته‌های تحول به سرمایه‌داری را در خود داشته‌است. اما این مناسبات در شرق از جمله ایران یافت نشد؛ بنابراین دسترسی به آب و نوع روش‌های آبیاری در نحوه‌ی استقرار آبادی‌ها اهمیت بسیاری داشته است (علمداری، ۱۳۸۲: ۱۴۷-۱۴۶). ویژگی‌های طبیعی ایران موجب تنوع اجتماعی گردیده است. روستاها، قبایل و شهرها کاملاً جدا افتاده و از نظر اقتصادی مستقل و بخش عمده‌ی کشاورزی را خود تولید و مصرف می‌کردند (ابراهامیان، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۶). از دیگر چهره‌ها که می‌توان اشاره کرد کاتوزیان است در ایران فئودالیسم اروپایی هرگز پدید نیامد، کم‌آبی و به تبع آن شرایط ثانوی مانع از مازاد تولید و انباشت سرمایه گردیده است؛ لذا استبدادی شکل گرفت که در مناسبات آن مالکیت به‌عنوان یک حق، مشروعیت نداشته بلکه یک امتیاز بوده است. دولت نیز طبقه‌ای را نمایندگی نمی‌کرد، بلکه فوق طبقات بوده است، و طبقات به دولت وابسته بودند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۴۵). کاتوزیان ساختار قدرت سیاسی را در قالب مفهوم استبداد ایرانی متکی بر جامعه کم‌آبی نامیده‌اند. چنین سلطه‌ای سبب می‌گردید تا از پیدایش خود مختاری فئودالی در کشاورزی، یا شهروندی بورژوازی جلوگیری می‌کرد (همان: ۳۴۹).

❖ دیدگاه دیگر دیدگاه پرویز پیران است. پیران دیدگاه خود را با عنوان نظریه‌ی سرزمینی جامعه‌ی ایران یا نظریه‌ی ژئوپولوتیک و ژئواستراتژیک جامعه‌ی ایران تدوین کرده است. ایشان نظریه‌ی خویش را با مسامحه‌ی جزئی از نظریه‌ی آغازین هدایت‌کننده نامید تا حکم قطعی تلقی نگردد. معتقد است که ایران در منطقه‌ی نیمه خشک، حداقل پنج اقلیم را در کنار هم دارد و اولین رکن ساختار جامعه‌ی ایران یعنی نظامی نا یک جانشین سر بر می‌آورد و کهن‌ترین الگوی زندگی در سرزمین ایران است. در کنار رکن اول رکن دوم جامعه جان می‌بخشد. پیدایش ده‌ها هزار روستای کم‌توان، با جمعیتی محدود است. همزیستی ایلات جنگاور سخت منسجم و روستانشینان کم‌توان که با خشکسالی ادواری دچار مشکل می‌گردند ایلات را به تهاجم و غارت و تخریب جدی روستاها و می‌دارد. فقدان امنیت، واژه‌ی تبیین‌کننده‌ی رابطه‌ی ایل‌نشینی و روستانشینی است. عامل دیگری که بر اهمیت امنیت می‌افزاید اشاره دارد، و آن موقعیت ژئوپولوتیکی ایران است، در نتیجه ایران به صحنه‌ی درگیری‌های منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و جهانی تبدیل می‌شود.

ضرورت ایجاد امنیت داخلی و خارجی پیدایش اتحادیه‌های ارادی دفاعی را در دستور کار قرار داده است. ناامنی بر دو پایه نزاع داخلی و خارجی نظام را به الگوی استبدادی سوق داده است. جایگاه چنین نظامی در کنار عوامل دیگری چون تجارت، رکن سوم زندگی جامعه‌ی ایران را شکل بخشید؛ که همان نظام شهری بوده است. که این سه رکن برای قرن‌ها ساختار جامعه‌ی ایران را پدید آورد (پیران، ۱۳۸۵: ۱۳۵-۱۳۷). نقدی بر دیدگاه کاتوزیان از سوی عبداللهمیان مطرح است، حمید عبداللهمیان در کتاب نظام ارباب غایب در ایران، بر این باور است که در روستا تولید مازاد شکل می‌گرفت، اما فارغ از آنچه از طریق نزول خواری، فعالیت‌های پیش از برداشت، و انواع خدمات ستانده می‌شد، در حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد از محصولات روستایی را نیروهای بیرونی (بیرون از بنه) تصاحب می‌کردند که هیچ‌گونه کار کشاورزی را انجام نمی‌دادند. تولید مازاد کشاورزان توسط اربابان غایب استثمار می‌شدند. حدود ۷۶ تا ۸۵ درصد از زمین‌ها در ایران در زمان اصلاحات ارضی در سال ۱۹۶۲، خصوصی بود و حدود ۶۰ تا ۶۶ درصد از زمین‌های خصوصی تحت مالکیت اربابان غایب بود. و محور استثمار روستایی قبل از اصلاحات ارضی مبتنی بر مسئله‌ی روابط شهری - روستایی است. و سهم بری عنصر اصلی شیوه‌ی تولید پیشا سرمایه‌داری را در ایران شکل داد؛ و رشد محصولات نقدی و رشد روابط تجاری و پیوستن اقتصاد به سرمایه‌ی تجاری بین‌المللی، که سبب گردید تجار ایرانی قدرت رقابت با شرایط جدید را نداشتند، به خرید زمین در روستا گرایش پیدا کردند (عبداللهمیان، ۱۳۹۲: ۳۳۷-۳۴۷).

کاتوزیان به عدم تولید مازاد در جامعه‌ی روستایی معتقد است. رویکرد دیگری نیز اشاره می‌شود که از سوی رزاقی از جمله اقتصاددانان و چهره‌هایی هستند که بر گفتمان نئولیبرال در بعد جهانی نقد دارند و همچنین بر رهیافت‌های مسلط بر برنامه‌های اقتصادی ایران را مورد پرسش قرار می‌دهند. در زمره‌ی معتقدان به توسعه با رویکرد نهادگرایی هستند. حدود ۱/۲ میلیون کیلومتر مربع از مساحت کشور یا ۷۳ درصد آن، دارای آب و هوای خشک، و حدود ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع یا ۲۲/۴ درصد آن، دارای آب و هوای معتدل و حدود ۴۰ هزار کیلومتر مربع یا ۲/۴ درصد آن دارای آب و هوای سرد کوهستانی است. کمبود آب در ایران با توجه به قرار گرفتن کشور در کمربند بیابانی، همواره یکی از مشکلات پایه‌ای بوده است. حجم بارش میانگین ۳۶ سال در کشور بیانگر توزیع نامناسب بارش در مقایسه با مساحت مناطق کشور است، در حالی که ۱۰/۸ درصد مساحت ایران ۱۷/۹۸ درصد بارش کشور را دریافت می‌کند، ۵۰/۷ درصد کشور تنها ۳۹/۱ درصد را به خود اختصاص می‌دهد (رزاقی، ۱۳۹۲: ۵۱-۴۶).

در جمع‌بندی دیدگاه‌های فوق می‌توان چنین متصور شد که نوع تفسیر و فهم مرتبط با فرایند توسعه نیز متفاوت است. اما زمینه‌ها و بستر مرتبط بر شکل‌گیری نوع گفتمان نیز در دیدگاه‌ها مشترک است.

❖ غلامرضا جمشیدی‌ها و حمزه نوذری مقاله‌ای با عنوان «تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران: از طرد توسعه تا معنابخشی‌های متفاوت به آن» در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسانده‌اند. تدوین اولین برنامه‌ی پنج ساله، بعد از یک دهه تعلیق انجام گرفت. معنای توسعه از اواسط دهه‌ی شصت تا اواسط دهه‌ی هفتاد، به معنای رشد اقتصادی بود که به دولت رشد و سازندگی معرف شده است. دال خالی این دولت نقطه‌ی آغاز گفتمان دولت بعدی یعنی دولت محمد خاتمی شده است. مشارکت مردمی، جامعه‌ی مدنی و ... گفتمان اصلاحات گفتمان رشد لیبرالی را به حاشیه راند. حقیقت را در توسعه‌ی سیاسی تعریف کرده است. در گفتمان این دولت دال خالی توزیع یا عدالت کم‌رنگ به نظر می‌رسید، که دولت بعدی (احمدی‌نژاد) با برجسته کردن آن سعی در به حاشیه راندن گفتمان توسعه‌ی سیاسی داشت. گفتمان رشد نولیبرال با مفصل‌بندی عناصری از نظریه‌ی نولیبرالیسم حول رشد اقتصادی در نقطه‌ی مخالف با دهه‌ی اول انقلاب قرار گرفت و در ابتدا توانست نزد اغلب سیاست‌مداران و کارشناسان اقتصادی، مقبولیت یابد، ولی بتدریج ساختارشکنی از آن آغاز شد و در نهایت با برجسته‌سازی دال خالی آن، یعنی آزادی‌های سیاسی، توسط گفتمانی دیگر در اواسط دهه‌ی هفتاد، به حاشیه رانده شد. گفتمان توسعه‌ی سیاسی معنای متفاوتی به توسعه بخشید و آن را گسترش داد و سازوکارهای آزادی سیاسی را معنا کرد. توزیع منابع، دال گفتمان دیگری با عنوان توزیع نولیبرال بود که یک بار دیگر در اواسط دهه‌ی هشتاد، توسعه را در عرصه‌ی اقتصادی معنا کرد، اما این بار حول توزیع منابع بود و نه رشد اقتصادی. وارداتی بودن مفهوم توسعه و انحصار منابع در گفتمان دیگر دو گزاره‌ای بود که گفتمان توزیع نولیبرالی برای غیریت‌سازی و تخصم با دو گفتمان قبلی به کار برد و بدین طریق سعی کرد شیوه‌های دیگر را به حاشیه براند.

❖ سید احمد موثقی در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد سیاسی ایران در دوره‌ی جمهوری اسلامی» در سال ۱۳۸۵ به بررسی و روند شکل‌گیری جریان‌های فکری در پیوند با رویکردهای اقتصادی و ایجاد جناح‌های سیاسی و بلوک‌های قدرت پرداخته است. روش مورد استفاده در این پژوهش، روشی کیفی و نوعی تحلیل نظری و مفهومی است و از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۸۵ را به تفکیک و طی چهار دوره یعنی دوره‌ی اول: دوره‌ی حیات امام خمینی و جنگ و در فاصله سال‌های ۶۸-۱۳۵۸، دوره‌ی دوم: مقارن با خاتمه‌ی

جنگ و وفات امام خمینی و تغییر رهبری و اصلاحات اقتصادی دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در سال‌های ۷۶-۱۳۶۸، دوره سوم: دوره اصلاحات سیاسی و جنبش معروف به دوم خرداد در زمان ریاست جمهوری سید محمد خاتمی در سال‌های ۸۴-۱۳۷۶، و دوره چهارم: دوران شکست اصلاح‌طلبان و پیروزی اصول‌گرایان در سال ۱۳۸۴ به بعد مورد بررسی قرار داده است. نتایج کلی نشان می‌دهد که رویکرد ایدئولوژیک چپ (دوره اول) و بنیادگرایانه (دوره چهارم) با منطق توزیع منهای تولید و رویکرد عملگرایانه مبتنی بر رشد اقتصادی (دوره‌های دوم و سوم) با منطق تولید منهای توزیع، نه به استقرار عدالت و نه تأمین آزادی - اقتصادی و سیاسی - انجامید. به جای اینها، سنت‌گرایی و محافظه‌کاری با منطق تجارت و با تکیه بر درآمدهای نفتی، بدون تغییر در ساختارهای اقتصادی - اجتماعی غلبه می‌یابد.

❖ محمدتقی مقدمی مقاله‌ای با عنوان نظریه‌ی تحلیل گفتمان لاکلاو و موف و نقد آن در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسانده است. در راستای روش کار تحولات اجتماعی و سیاسی بر محور منازعات معنایی میان اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان در دو روزنامه‌ی سلام و رسالت دنبال شده است. هژمونی گفتمان سنت‌گرا، اصلاحات را تا سال ۱۳۷۶ به تأخیر انداخت. که در روند تخاصم گفتمانی توأسته در جریان انتخابات ۷۶ گفتمان خود را مفصل‌بندی کند. گفتمان اصول‌گرایی با مفصل‌بندی جدیدی از این دال‌ها نظام معنایی جدید ارائه داد. این گفتمان با غیریت‌سازی و تعیین هویت گفتمان رقیب را به حاشیه راند.

❖ ایزدی و رضایی‌پناه تحقیقی با عنوان: مبانی اجتماعی و اقتصادی تحول در گفتمان‌های سیاسی مسلط در جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۲ انجام داده‌اند. پرسش اصلی این تحقیق این است که دلیل تحول گفتمان‌های مسلط در پهنه‌ی نظام سیاسی جمهوری اسلامی چیست؟ این فرایندها در سایه‌ی عوامل بین‌المللی تقویت شده است. این پژوهش در بررسی خود پنج دوره گفتمان اساسی را شناسایی کرده است. گفتمان لیبرال اسلامی در دوران دولت موقت و ریاست جمهوری ابوالحسن بنی‌صدر، گفتمان چپ اسلامی ارزش مدار (۱۳۶۸-۱۳۶۰). گفتمان اقتصاد آزاد و توسعه‌ی اقتصادی در دوران ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶). گفتمان دموکرات اسلامی در دوره‌ی ریاست جمهوری سید محمد خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۷۶). اتفاق افتاده است. گفتمان عدالت اجتماعی و اصول‌گرایی در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد (۱۳۹۲-۱۳۸۴). انقلاب اسلامی انقلابی است که رسالت راهنمایی نوع بشر از رفع بحران معنویت و ستم‌پذیری و رساندن آنان به سعادت و کمال دو دنیا را بر عهده دارد.

❖ تحقیقی با عنوان جایگاه روستا و کشاورزی در برنامه‌های عمرانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران توسط قلی‌زاده فیروزجایی و دیگران در سال ۱۳۸۲ انجام گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد در پنج برنامه‌ی عمرانی قبل از انقلاب اسلامی، بخش کشاورزی در مقایسه با بخش صنعت از اهمیت کمتری برخوردار بوده است. سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی از ۳۶ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۱۴ درصد در سال ۱۳۵۶ کاهش پیدا کرده است. به‌طور کلی پیش از استخراج و صدور نفت، کشاورزی یکی از منابع اصلی تأمین ارز در اقتصاد کشور بوده و به موازات رشد بخش نفت، کشاورزی اهمیت گذشته خود را به‌عنوان یکی از منابع تأمین ارز از دست داد.

❖ تحقیقی با عنوان جایگاه روستا در برنامه‌های کلان توسعه، توسط صادقی در سال ۱۳۹۳ انجام گرفته است. این تحقیق به وضعیت نگاه به توسعه‌ی روستایی در چهار برنامه بعد از انقلاب پرداخته است. در برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۲-۱۳۶۸). توسعه‌ی روستایی همانند سه برنامه‌ی اول قبل از انقلاب دارای فصل مستقلی نیست و «برنامه‌های توسعه‌ی روستایی در قالب هدف‌های ملی، عمران منطقه‌ای، کشاورزی و آمایش مد نظر قرار گرفته است. در برنامه‌ی دوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۸-۱۳۷۴) توسعه‌ی کشور، فصل مستقلی راجع به عمران روستایی دیده می‌شود. در برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۸۳-۱۳۷۹) توسعه و عمران روستایی یکی از فصل‌هاست، که در آن متفاوت با برنامه‌های قبلی، ابتدا وضع موجود نواحی روستایی، مشکلات و تنگناهای این نواحی سپس چالش‌های توسعه و عمران روستایی بررسی شده است، در برنامه‌ی چهارم توسعه، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۸-۱۳۸۳) عناصر و ابعاد توسعه‌ی روستایی در برنامه‌ی چهارم، فاصله‌ی بسیار زیادی با عناصر و ابعاد توسعه‌ی روستایی در معنای حقیقی آن دارد.

❖ پژوهشی توسط رحیمی و توسلی در سال ۱۳۹۱، تحقیقی با عنوان بررسی نقش و جایگاه توسعه‌ی روستایی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، چهارمین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، تهران، صورت گرفت. از مجموع ۲۳۵ ماده از مواد قوانین برنامه‌ی پنجم توسعه در ۱۶ ماده به موضوع روستا اشاره شده است. در این بین عرصه‌ی عمرانی در روستاها با اختصاص ۳۳/۳۳ درصد از قوانین، مواد و تبصره‌های مرتبط با روستا نشان‌دهنده‌ی این امر است که این عرصه، بیشترین اهمیت از دیدگاه قانون‌گذاران را دارا بوده است و بعد از آن عرصه‌های مدیریتی و اقتصادی هر کدام با اختصاص ۱۷/۷۷ درصد بیشترین اهمیت را داشته‌اند.

مباحث نظری و چارچوب مفهومی پژوهش

با عنایت به هدف تحقیق، سعی شده است تا پیرامون مسأله بررسی نظری قرار گیرد. ابتدا گفتمان اقتصادی، دیدگاه‌های پیرامون جامعه‌ی روستایی ایران و سپس به بحث گفتمان و دیدگاه‌های آن می‌پردازیم.

رهیافت اقتصادی

از جمله رهیافت‌ها، رهیافت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را می‌توان نام برد، که در اینجا مختصری به رهیافت اقتصادی اشاره می‌شود. این رهیافت که با گفتمان‌های مرتبط با برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی نزدیکی بیشتری دارد از گفتمان‌های اقتصادی دوران معاصر که در جوامع مدرن و غربی و دوران شکل‌گیری سرمایه‌داری برجسته و هژمونی پیدا کرده‌اند تأثیر پذیرفته است. دو رهیافت را می‌توان ردیابی کرد. رویکردی که با گفتمان نئولیبرال نزدیکی دارد و دیگری که با کمی مسامحه، تلفیقی از نئولیبرال و سیوسیالیستی می‌باشد. گروهی توسعه‌نیافتگی را در نبودن رقابت اقتصادی و نقش بیش از حد دولت در اقتصاد جستجو می‌کنند. سلطه‌ی بیش از حد دخالت دولت در اقتصاد ایران را عامل توسعه‌نیافتگی می‌دانند. نقش این رهیافت را می‌توان در تدوین برنامه‌ی اول و دوم توسعه‌ی اقتصادی در دولت هاشمی رفسنجانی ردیابی کرد. تفکری که «سیاست تعدیل» نام گرفته است. از چهره‌های این رهیافت می‌توان به موسی غنی‌نژاد، مسعود نیلی، محسن نوربخش و محمد طبیبیان اشاره کرد. هزاوه‌ای به نقل از نیلی آورده است «قابل دفاع‌ترین نگاه به اقتصاد در قالب بازار آزاد است» (هزاوه‌ای، ۱۳۸۵: ۱۸۱، به نقل از نیلی، ۱۳۷۹: ۳۷). رد پای این گفتمان با تأکید بر رشد و نوسازی را در برنامه‌های قبل از انقلاب هم می‌توان واکاوی کرد. برخلاف گروه فوق، گروهی قائل به توسعه مستقل‌اند که در دهه‌ی اخیر با کمتر شدن نگاه رادیکالی، در جایگاه نظریه‌ی مکمل و اصلاح ظاهر شده‌اند. آنان هر چند به الگوی توسعه بازار نقد دارند، اما در تعارض کامل با الگوی توسعه بازار قرار ندارند. بر فرض علم اقتصاد جدید و ادعای جهان‌شمولی آن نقد دارند، و بر نهادگرایی تأکید دارند (هزاوه‌ای، ۱۳۸۵، ۱۸۱-۱۸۲، به نقل از نیلی، ۱۳۷۹، شماره ۳۷). از چهره‌های این رهیافت، ابراهیم رزاقی، فرشاد مؤمنی و حسین عظیمی را می‌توان نام برد.

گفتمان و دیدگاه‌های آن

واژه‌ی «*Discourse*» در زبان فارسی به مباحثه، گفتمان، گفتار، گفت‌وگو، سخن، و اصطلاح «*Discourse Analysis*» به سخن کاوی، تحلیل کلام، تحلیل گفتار، تحلیل گفتمان، گفتمان کاوی ترجمه شده است. البته هیچ اجماع روشنی در باب چیستی گفتمان و نحوه‌ی عملکرد و تحلیل آن، و نیز توافق عامی در باب تحلیل گفتمان وجود ندارد. تعاریفی گوناگون از گفتمان و تحلیل گفتمان ارائه شده که در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم: یورگنسن و فیلیپس، گفتمان را این‌گونه تعریف می‌کنند: «گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره‌ی جهان و فهم آن است» (یورگنسن، و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷). میشل فوکو می‌نویسد: «ما مجموعه‌ای از احکام را تا زمانی که متعلق به صورت‌بندی گفتمانی مشترکی باشند، گفتمان می‌نامیم. فرکلاف گفتمان و تحلیل گفتمان را این‌گونه تعرف می‌کند: من گفتمان را مجموعه‌ی به هم تافته‌ای از سه عنصر عمل [کردار] اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و [خود] متن می‌دانم، و تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هر یک از این سه بعد و روابط میان آنها را طلب می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷-۹۸).

گفتمان توسعه مردم‌گرا یا پسا توسعه‌گرایی

از دهه‌ی ۱۹۸۰، مفهوم «پسا توسعه» مطرح شد. اندیشه‌ی انتقادی پساتوسعه به‌عنوان یک گفتمان، نظریه‌ی توسعه‌ی مدرنیستی را به‌عنوان یک تئوری آکادمیک با کار ویژه‌های پنهان سیاسی و اقتصادی نقد می‌کرد. «اسکوبار» که از شناخته‌ترین چهره‌های پساتوسعه می‌باشد، معتقد است که مکتب پساتوسعه علاقه‌مند به جستجو برای راه‌های جایگزین یعنی توسعه‌ی مردم‌گرا با محوریت تمرکززدایی، جامعه‌ی مدنی و سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت و توانمندسازی، اهمیت سازمان‌ها تأکید دارد و برای توسعه بر اساس فرهنگ و دانش محلی است با محور قرار دادن، مردم و سازمان‌های غیر دولتی، توسعه را از پایین به بالا و از درون جامعه به پیش می‌برد (احمدی و بیدالله خانی، ۱۳۹۲: ۵۳-۵۴).

نظریه گفتمان لاکلاو و موفه

ارنستو لاکلاو و شانتال موفه در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی، نظریه‌ی خور را صورت‌بندی کرده‌اند. تحولی در سنت چپ ایجاد کردند، نظریه‌ی آنها فراتر از چپ مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت. نظریه‌ی گفتمان لاکلاو و موفه نظریه نسبتاً جامع و پرکاربرد و منسجمی است و از

کارایی بسیار بالایی برای تبیین چگونگی ظهور، استمرار و افول گفتمان‌ها و بررسی تعامل میان آنها برخوردار است و قابلیت توجیه‌کنندگی زیادی برای تحولات اجتماعی دارد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). اگر چه نقطه‌ی آغاز کار لکلاو و موفه مفهوم گفتمان فوکو بوده است، ولی آنها با به کارگیری نظریات متفکرانی چون سوسور، دریدا، بارت، لاکان، گرامشی و آلتوسر، نظریه‌ی بسیار کارآمدی را شکل دادند که انسجام و قابلیت تبیین فوق‌العاده‌ای دارد. نظریه‌ی لاکلاو و موفه ریشه در دو سنت نظری ساخت‌گرا یعنی مارکسیسم و زبان‌شناسی سوسوری دارد. سوسور معنای نشانه‌ها را از طریق قرار دادن آنها در درون شبکه‌ای از نشانه که مجموعاً یک نظام را شکل می‌دهند، به دست می‌دهد، نه با برقراری ارتباط بین نشانه‌ها با جهان خارج و جهان مصادق‌ها. لاکلاو و موفه با این دیدگاه تقلیل‌گرایانه به مخالفت برخاسته‌اند و ادعا کرده‌اند که هویت‌های سیاسی - اجتماعی دارای شخصیتی رابط‌های هستند (سلطانی، ۱۳۹۱: ۷۲). لاکلاو و موفه به نقد مارکسیسم سنتی نیز پرداختند و با نگاه تقلیل‌گرایانه که همه‌ی امور را به طبقه و تولید نسبت می‌دهند، مخالفت کرده‌اند. از نظر آنها هیچ چیز بنیادینی وجود ندارد که به بقیه‌ی پدیده‌ها معنا و هویت ببخشد، بلکه هویت هر چیز در شبکه‌ی هویت‌های دیگری که با هم مفصل‌بندی شده‌اند، کسب می‌گردد (سلطانی، ۱۳۹۱: ۷۳). مفهوم مفصل‌بندی نقش مهمی در نظریه‌ی گفتمان دارد. عناصر متفاوتی که جدا از هم شاید بی‌مفهوم باشند، وقتی در کنار هم در قالب یک گفتمان گرد می‌آیند، هویت نوینی را کسب می‌کنند، که مفصل‌بندی نام دارد (سلطانی، ۱۳۹۱: ۷۳). با انتقادات پساساختارگرایان مفهوم ایدئولوژی از مرکزیت افتاده و به جای آن مفهوم گفتمان اهمیت بیشتری یافته است. بر این اساس بسیاری از نظریه‌پردازان پسامارکسیست و پساساختارگرا به جای ایدئولوژی به مفهوم گفتمان توجه کردند. از نظر لکلاو و موفه با نقد جبرگرایی ایدئولوژیک آلتوسر و جرح و تعدیل مفهوم ایدئولوژی زمینه را برای طرح مفهوم گفتمان فراهم نمودند. این گفتمان‌ها هستند که گزاره‌های درست و نادرست را تولید می‌کنند و عاملان و نهادهای اجتماعی را وا می‌دارند بر اساس این گزاره‌ها عمل کنند. اما چگونه می‌شود که معنای بعضی از نشانه‌ها گاه چنان رایج و مرسوم می‌شود که از نظرمان کاملاً طبیعی جلوه می‌کند. در نظریه‌ی گفتمان این کار به واسطه‌ی مفصل‌بندی صورت می‌گیرد. کلیت ساخت‌مند حاصل از عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌نامیم. جایگاه‌های تفاوت را، زمانی که درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده باشند، وقته می‌نامیم. و بالعکس، هر تفاوتی را که از نظر گفتمانی مفصل‌بندی شده نیست، عنصر (دال شناور) می‌نامیم (سلطانی، ۱۳۹۳: ۷۶ به نقل از لاکلاو و موفه، ۱۹۸۵: ۱۰۵).. گفتمان‌ها مجموعه‌ای از نشانه هستند که به شیوه‌ای معنادار با هم مرتبط شده‌اند. در واقع صورت‌بندی مجموعه‌ای از کدها، اشیا، افراد و ... هستند که پیرامون یک نقطه‌ی کانونی (دال مرکزی یا گره‌گاه) تثبیت شده و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از دیگری‌ها به دست می‌آورند.

گفتمان‌ها، تصور و فهم ما را از واقعیت و جهان پیرامون شکل می‌دهند. بنابراین معنا و مفهوم انسان از واقعیت همواره گفتمانی است (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۹۷، به نقل از حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۹). بنابراین وقته‌ها (لحظه‌ها) عبارت است از دال‌ها و عناصری که درون یک گفتمان و حول یک دال مرکزی مفصل‌بندی شده‌اند و موقتاً به هویت و معنایی دست یافته‌اند. این معانی کاملاً تثبیت شده نیستند و امکان تغییر آن‌ها از طریق مفصل‌بندی‌های تازه وجود دارد. عناصر، دال‌ها و نشانه‌هایی که معنای آن‌ها تثبیت شده نیست و گفتمان‌های مختلف سعی در معناداری به آن‌ها دارند. به عبارتی دال‌های شناوری هستند که در قالب یک گفتمان قرار نگرفته‌اند و نقطه‌ی کانونی یا دال مرکزی یا گره‌گاه عبارت است از نشانه‌ای که سایر نشانه‌ها در اطراف آن نظم می‌گیرند که البته تثبیت معنا حول دال مرکزی به صورت موقتی صورت می‌گیرد (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۹۷). بطور مثال دال‌ها و عناصری که از سوی گفتمان اصلاحات معنا پیدا کرده‌اند بیانگر آن است که وقته (لحظه) اتفاق افتاده است. همان‌گونه که گفتمان اصول‌گرایی (راست) در انتخابات هفتم مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۲ و انتخابات نهم ریاست جمهوری ۱۳۸۴، گفتمان اصلاحات را طرد و به حاشیه راند. گفتمان راست به تثبیت موقت معنا دست پیدا کرده است. گفتمان اصول‌گرا با برجسته کردن معنا در دال‌هایی مانند توزیع و عدالت حول دال مرکزی به نام «ولایت» گفتمان خود را عرضه کرده‌اند. این گفتمان معنای مترتب بر توسعه را از بعد توسعه‌ی اقتصادی با تأکید بر توزیع و عدالت برجسته کرده‌اند. به عبارتی از دال خالی به نام عدالت که تصور می‌شد در دولت هاشمی رفسنجانی در حوزه‌ی گفتمان‌گونگی قرار داشت و دال خالی متصور بود. با معنابخشی به آن سعی کرده با تمایز و قطب‌بندی در مقابل «دیگری» برجسته و بتواند آن «دیگری» را به حاشیه براند. از نظر لاکلاو و موفه وظیفه‌ی دال‌های خالی بازنمایی وضع مطلوب و آرمانی است. بنابراین دال‌های خالی زمینه را برای شکل‌گیری گفتمان رقیب در یک قلمرو به وجود می‌آورند. البته این دال‌ها در حوزه‌ی گفتمان‌گونگی، گفتمان قبل وجود داشته‌اند. هر گفتمان یکی از معانی را بر حسب هم‌خوانی با نظام معنایی خود تثبیت و مابقی معانی را طرد می‌کند. سایر معانی که از گفتمان خاص طرد شده‌اند، حوزه‌ی گفتمان‌گونگی نامیده می‌شوند. زمانی که عنصر به وقته تبدیل می‌شود، یعنی وارد مفصل‌بندی گفتمانی می‌شود از حالت چند معنایی خارج و معنایی ثابت، هر چند موقت به خود می‌گیرد. که انسداد یا بست (انجماد یا توقف) گفته می‌شود. این تثبیت تحت اراده‌ی هژمونیک به ثبات (موقت) گفتمان منجر می‌شود. یعنی توقف موقت در تعدد معنای نشانه‌های یک گفتمان است، انسداد هیچ‌گاه کامل نیست (جمشیدیها و نوذری، ۱۳۹۳: ۲۹-۳۰). همواره امکان تزلزل معنایی تثبیت‌یافته در درون گفتمان وجود دارد. لاکلاو و موفه این امکان را بی‌قراری می‌نامند. بی‌قراری دو کارکرد دارد. یا با تضعیف گفتمان حاکم، امکان پیدایش مفصل‌بندی جدید را فراهم می‌کند، یا

فرصت بازسازی خود را برای گفتمان حاکم و جلوگیری از تزلزل مهیا می‌کند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). در خصوص دال خالی که قبلاً اشاره شد. گفتمان دولت احمدی‌نژاد سعی کرد تا نشان دهد که در دولت هاشمی و دولت خاتمی، اقبال فرودست شهری و روستایی در برخورداری از توزیع و عدالت نادیده گرفته شده‌اند و در حاشیه قرار گرفته‌اند. معنای توسعه را با چسباندن به دال خالی (تهی) عدالت که طرد شده بود، و در حوزه‌ی گفتمان‌گونگی قرار داشت، معنا بخشیده و آن را برجسته کرد. احمدی‌نژاد خود را منادی عدالت (اسطوره‌سازی) برای فرودستان نشان داد. مورد استقبال قرار گرفت. با یک گفتمان پوپولیستی در عرصه‌ی منازعه‌ی سیاسی غالب گشت. یک گفتمان چگونه در صدد تثبیت معنا عمل می‌کند. به عبارتی یک گفتمان با غیریت‌سازی و برجسته‌سازی تلاش دارد تا معنای مورد نظر گفتمان رقیب یا «دیگری» را در عرصه‌ی منازعه طرد و به حاشیه براند. عمل مفصل‌بندی دال‌های اصلی با یکدیگر در زنجیره‌ی هم‌ارزی ترکیب می‌شوند. این دال‌ها نشانه‌هایی بی‌محتوایی، به خودی خود بی‌معنایی تا اینکه از طریق زنجیره‌ی هم‌ارزی با سایر نشانه‌هایی که آنها از معنا پر می‌کنند ترکیب شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار گیرند. که به نظر می‌رسد تهدید کننده‌ی آنها باشند. گفتمان‌ها از طریق زنجیره‌ی هم‌ارزی، تفاوت‌ها را می‌پوشانند و نظم و انسجام می‌بخشند (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۹۸). بطور مثال سید محمد خاتمی در جریان هژمونی گفتمان اصلاحات برای حفظ صورت‌بندی که حول عناصر و دال‌های هم‌ارزی ترکیب گردید و معنای توسعه‌ی سیاسی، حول دال مرکزی «مردم» صورت‌بندی شده بود. از سوی گفتمان راست، گفتمان اصلاحات به ریشه در خارج داشتن متهم شده بود و جامعه‌ی مدنی را در راستای آمریکایی یا غربی شدن جلوه می‌دادند. راست سعی داشت تا دال (جامعه مدنی) از مدلولش (توسعه‌ی سیاسی) جدا شود. همان‌طور که تنوع و تکثر مطبوعات دوم خرداد که بر مدلولی به نام آزادی بیان، مبتنی است. راست سعی داشت تا این معنا را به حاشیه و معنای دیگری را برجسته نماید. متهم کردن به اینکه برخی مطبوعات پایگاه دشمن هستند، و تنوع آنها زمینه‌ی نفوذ دشمن است. یا جذب سرمایه‌گذاری خارجی را بر مدلولی به نام نفوذ بیگانه تفسیر و برجسته نمایند. همان‌گونه که در قضیه‌ی برنامه‌ی جامع مشترک (برجام) ایران با شش کشور قدرت‌مند جهانی بر سر موضوع هسته‌ای، از سوی گروه دلواپسان مورد اتهام قرار گرفته و نوعی سازش با غرب و آمریکا تفسیر می‌شود و ... با این عمل سعی داشتند و دارند، تا دال یا دال‌های مورد نظر در گفتمان اصلاحات و امروزه در دولت اعتدال حسن روحانی در جامعه هژمونی نشوند، یا به چالش گرفته شوند. خاتمی تلاش کرد تا ریشه‌ی جامعه‌ی مدنی را به مدینه‌النبی نسبت دهد و نشان دهد که جامعه‌ی مدنی به‌عنوان دال شناور که یک مفهوم مدرن است، هم‌ارز با معنای مدینه‌النبی است و با آن تفاوت ندارد بلکه هم‌ارز با آن است. به عبارتی این دال یا عنصر ساختار

مفصل‌بندی، بر مدلولی به نام توسعه‌ی سیاسی معنا گردید. لذا دال بر مدلولی به نام توسعه‌ی مترتب است، که در راستای توسعه برخاسته از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی معنا شود. حال حسن روحانی تلاش دارد تا نشان دهد که قضیه‌ی برجام در راستای تعامل و ارتباط با دنیا به منظور توسعه‌ی اقتصادی و شکوفایی می‌باشد. چون هیچ دالی نیست که با مدلول خویش رابطه‌ی جوهری داشته باشد. مثلاً سکوت می‌تواند علامت رضا، نشانه‌ی اعتراض، نشانه‌ی عاقل اندر سفیه و نشانه‌ی از سفاقت و جهالت باشد (تاجیک، ۱۳۸۵: ۲۶۳). به‌عبارتی دیگر می‌توان گفت که دال به تعبیر زبان‌شناسی آوا است و آن چیزی که از تصویر در ذهن نقش ببندد، مدلول است. آوا مشکل چندانی را حل نمی‌کند، مثلاً دموکراسی آواست. تا وقتی که آواست، همه دارند، آن جایی که من دموکرات بر سر دموکرات دیگر می‌زنم یا او را به دیکتاتوری متهم می‌کنم آن جاست که از این آوا چیزی در ذهنم نقش می‌بندد و آن مدلول است. مشکل زمانی است که مدلول‌ها ارائه می‌شوند؛ بنابراین مشکل مربوط به مدلول‌ها است (تاجیک، ۱۳۸۵: ۲۷۸). بنابراین دو مفهوم منطق هم‌ارزی و منطق تفاوت در قالب ایجاد زنجیره‌ی هویت‌های هم‌ارز در میان عناصر مختلف عمل می‌کند، در پی روابط غیریت سازانه‌ای است که ساختار سیاسی حاکم بر جامعه را تعیین می‌کند (سلطانی، ۱۳۹۰: ۹۲). از این منظر تشکیل گروه و هویت اجتماعی و جمعی شکل می‌گیرد. غیریت‌سازی با منازعه بر سر معنا اهمیت پیدا می‌کند. وقتی ظاهر می‌شود که هویت‌های متفاوت همدیگر را نفی و طرد می‌سازند. سیاست و عینیت مفهومی دیگری هستند که برای لاکلاو و موفه اهمیت دارند. آن‌ها به فرایندهای گفتمانی و سیاسی اهمیت می‌دهند و معتقدند که مفصل‌بندی‌های سیاسی هستند که تعیین می‌کنند ما چگونه فکر و عمل کنیم و بدین ترتیب است که جامعه شکل می‌گیرد. وقتی گفتمان‌های عینی آن چنان تثبیت شده به نظر می‌رسند که امکان زیر سؤال بردنشان تقریباً غیر ممکن می‌نماید. گفتمان رسوب کرده است (سلطانی، ۱۳۹۰: ۸۶). در این مرحله معنای امر سیاسی به امر اجتماعی تبدیل می‌شود. عینیات ممکن است دوباره سیاسی شوند و منازعه شکل گیرد. دال "شناور" در نزد لاکلاو و موفه دالی است که در حقیقت مدلول آن شناور است و گروه‌های مختلف سیاسی برای انتساب مدلول به آن با هم رقابت می‌کنند. از این‌رو از منظر لاکلاو و موفه عرصه‌ی سیاسی، عرصه‌ی کشمکش و نزاع میان دال‌های شناور است. مفهوم دال‌های شناور به این واقعیت اشاره دارد که دال‌های معین در بسترهای مختلف معانی مختلفی دارند. دال‌های شناور که هنوز در درون یک گفتمان جای نگرفته‌اند و معنای آنها تثبیت نشده است عنصر گفته می‌شود که گفتمان‌های گوناگون کوشش می‌کنند تا بر اساس منافع خود به آن معنا ببخشند. بنابراین دال‌هایی که بتوانند انسدادی در معنای خود ایجاد کنند، دال برتر نامیده می‌شود که تمامی دال‌ها پیرامون آن وحدت می‌یابند و به‌عبارتی بهتر مفصل‌بندی می‌شوند و کلیت معنادار گفتمان را می‌سازند

(یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۷). همان‌طور که مشخص شد لکلاو و موفه بطور مشخص در بحث پیرامون مفصل‌بندی و تثبیت معنای دال برتر و توضیح تثبیت نسبی رابطه‌ی بین دال و مدلول به مقوله هژمونی می‌رسند (لکلاو، ۱۹۹۰: ۴۸). در کنار مفهوم زنجیره هم‌ارزی و تفاوت، مفهوم منازعه یا غیریت‌سازی را طرح می‌کنند. چون هویت همواره گفتمانی ولی قطعی و تثبیت شده نیست لذا آنتاگونیسم یا تنازع به هویت شکل می‌دهد؛ که در تقابل با دیگری شکل می‌گیرد. مانند گفتمان اصلاحات در تقابل با گفتمان راست، یا اصول‌گرا که در منازعه با غیریت‌سازی سعی در طرد و به حاشیه‌رانی دیگری را دارند. موفقیت گروه‌های سیاسی به توانایی‌شان برای تولید معنا بستگی دارد. در نتیجه، نظریه‌ی گفتمان لکلاو و موفه، معنا، سیاست و اجتماع را با هم ترکیب می‌کند و یک‌جا به تحلیل آنها می‌پردازد. در دولت‌های بعد از انقلاب منازعه بر سر معنا همواره تعیین‌کننده‌ی تعریف پدیده‌هایی چون توسعه بوده است ... فرایند تحول و چرخش معنا بر سر توسعه نشان می‌دهد که تعیین‌بخشی معنا در عرصه‌ی منازعات سیاسی نمود پیدا می‌کند و با مفصل‌بندی و هژمونی گفتمان در تنظیم و تدوین برنامه‌ی توسعه به‌عنوان یک امر گفتمانی یا رخداد ارتباطی از سوی دولت یا گفتمان قدرت انجام می‌گیرد. با توجه به فرضیه‌ی رساله معنا و تثبیت معنا امری سیاسی است زیرا تثبیت معنا موقتی و ناپایدار است. لذا منازعه‌ی سیاسی تعیین‌بخشی معنای توسعه می‌باشد. از رهگذر مبارزه امکان گسترش و وسعت بخشیدن معنای توسعه را دارد. با این پیش فرض که در اندیشه‌ی لاکلاو و موف وجود دارد همان دموکراسی کثرت‌گرا می‌باشد. بجای تمایز و هویت‌سازی بر پایه‌های «خودی»، «غیر خودی» بر تمایز «ما» / «مخالف» مشروعیت یابد. منازعه انکارناپذیر است، گاهی گفتمان‌ها برای بازگشت به عرصه‌ی منازعه با چرخش و تحول معنا همراه می‌شوند.

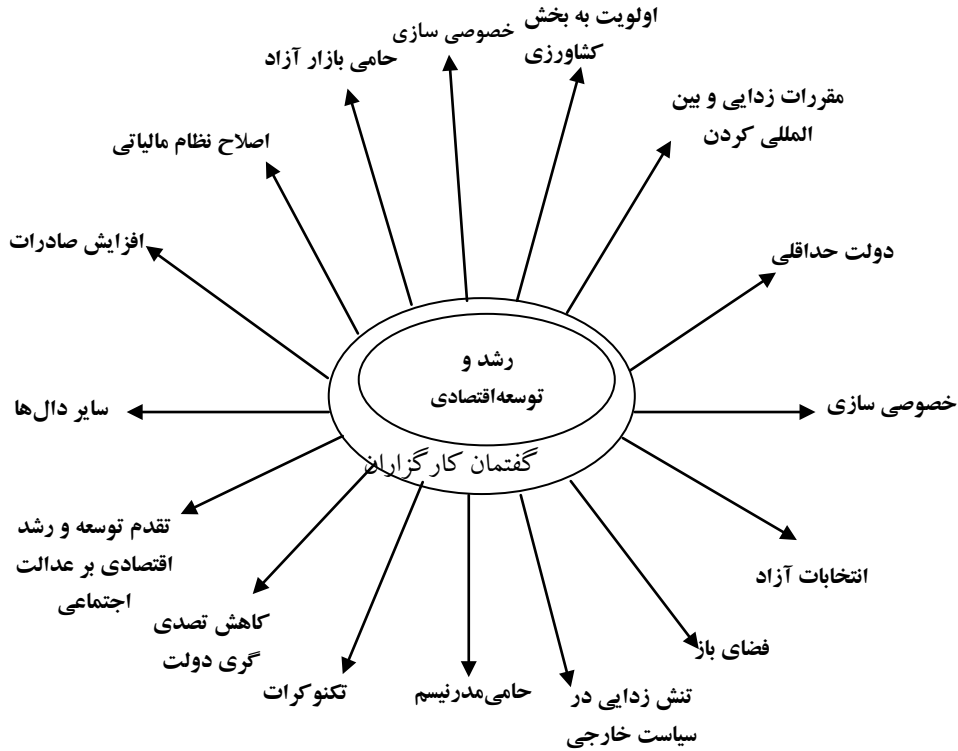
تحلیل داده‌ها

متناسب با پرسش‌ها و فرضیه‌ی تحقیق، تحلیل از گزاره‌های رخداد ارتباطی در قالب برنامه‌های دولت‌ها صورت گرفته‌است.

دولت هاشمی رفسنجانی یا کارگزاران سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)

دولت هاشمی رفسنجانی که بعداً با عنوان کارگزاران لقب گرفت از ۱۳۶۸-۱۳۷۶ در مقام ریاست جمهوری ایران بوده‌اند. با عنایت به پرسش‌ها و فرضیه‌ی تحقیق و واکاوی معنای توسعه از منظر گفتمان ضرورت توجه به زمینه‌های تاریخی و سیاسی یک رخداد ارتباطی لازم و اهمیت دارد. لذا برای این مهم ابتدا به ابعاد سیاسی و اقتصادی دولت هاشمی اشاره می‌شود. برای این کار چگونگی جریان کارگزاران را در پهنه‌ی سیاسی ایران

اهمیت دارد. برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۲-۱۳۶۸) شامل یک ماده‌ی واحد و ۵۲ تبصره است. برنامه‌ی اول توسعه در شرایطی آغاز شد که محدودیت‌های اقتصادی - اجتماعی حاکم بر نظام اجتماعی تداوم سیاست‌های گذشته را غیر ممکن می‌ساخت. لذا در دهه‌ی دوم پس از انقلاب اسلامی و یک سال پس از پایان جنگ و فوت امام خمینی، دولت برنامه‌ی اول توسعه را با انتخاب استراتژی آزادسازی اقتصادی و بازسازی آغاز نمود.



عناصر گفتمانی دولت کارگزاران در حوزه اقتصادی

متناسب با رویکرد لاکلاو و موف می‌توان گفت، دال مرکزی دولت کارگزاران رشد و توسعه‌ی اقتصادی ذیل گفتمان سیاسی کارگزاران به‌عنوان نشانه‌ی مرکزی مسدود شده است، و با قرار دادن آن در جایگاه نشانه‌ی ممتاز گفتمانی خود، به همراه نشانه و دال‌های اصلی «کاهش تصدی‌گری دولت»، «خصوصی‌سازی»، «افزایش صادرات»، «اصلاح نظام

مالیاتی»، «رشد و توسعه صادرات»، «تأکید بر بازار آزاد»، «مقررات زدایی و بین‌المللی شدن» و سایر دال‌های دیگر حول نشانه‌ی مرکزی یاد شده به مفصل‌بندی گفتمان خود پرداخته و نظام معنایی خود را شکل داده است. به‌بیانی دیگر، گفتمان کارگزاران به رشد و توسعه‌ی اقتصادی بسیار تأکید دارند. در واقع یکی از وجه متمایزکننده‌ی کارگزاران از سایر احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب تأکیدی است که بر توسعه‌ی اقتصادی می‌گذارد و حتی آن را بر عدالت اجتماعی مقدم می‌داند. به لحاظ سیاسی کارگزاران سازندگی، ریشه در راست سنتی دارند اما بعدها، هم به لحاظ روش و هم به لحاظ ایدئولوژیکی از آنها متمایز شدند. آنان اغلب طرفدار بازار آزاد و نقش حداقلی دولت در اقتصاد بودند (لک، ۱۳۸۶ : ۲۲۲)؛ و به‌ویژه در امر حمایت از بخش خصوصی و کاهش جدی نقش دولت در امور اقتصادی تأکید خاصی داشتند، تا جایی که خواهان ادغام در نظام اقتصادی جهان بودند.

گفتمان توسعه اقتصادی جوامع روستایی دولت رفسنجانی در دو برنامه اول و دوم

برنامه‌ی دوم برای دوره ۱۳۷۸-۱۳۷۴ تهیه شد، در آذر ۱۳۷۳ به تصویب مجلس رسید، در سه فصل و ۱۰۱ تبصره تنظیم گردید. در برنامه‌ی دوم به منظور توسعه‌ی روستاهای محروم، اقداماتی ذیل تبصره‌ی ۱۱ آورده شد. تبصره‌های ۷۳ الی ۸۱ در مورد حمایت از بخش کشاورزی تأکید دارند. تبصره‌ی ۱۱ به منظور توسعه‌ی روستاهای محروم و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای در روستاها در طول برنامه اقداماتی ارائه می‌گردد.

الف) مبلغ سه هزار میلیارد (۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال) برای امور زیر که در جدول آمده است، در روستاهای محروم هزینه می‌شود (قانون برنامه‌ی دوم توسعه، ۱۳۷۸-۱۳۷۴: ۳).

جدول ۱: تبصره و بندهای مرتبط با موضوع توسعه روستایی در برنامه‌ی دوم

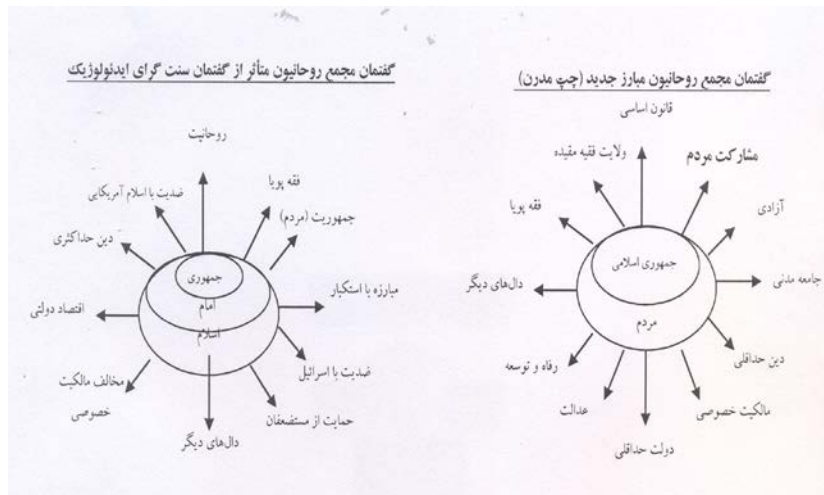
برنامه‌ی دوم توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی		
ردیف	تبصره	گزاره‌ها (رخداد ارتباطی)
۱	تبصره‌ی ۱۱، مورد ۱ از بند الف	طرح‌های عمرانی: راه، برقی، بهداشت، آبرسانی، فضاهای آموزشی، پستی و مخابراتی و آماده‌سازی زمین برای طرح‌های اشتغال‌زا در روستاهای محروم با اولویت اتمام طرح‌های نیمه تمام برنامه‌ی اول
۲	تبصره‌ی ۱۱، مورد ۲ از بند الف	توسعه‌ی فعالیت‌های تولیدی و اشتغال‌زا و خود اشتغالی در روستاهای محروم از طریق پرداخت مابه‌التفاوت کارمزد و سود مورد انتظار بانک در امور آب، کشاورزی، صنعت، مسکن و امور اجتماعی و پیش‌بینی آنها در بودجه‌ی سنواتی
۳	تبصره‌ی ۱۱، مورد ۳ از بند الف	رعایت اولویت در انتخاب و اجرای طرح‌های امور اجتماعی، زیربنایی و اشتغال‌زا برای روستاهای محروم
۴	تبصره‌ی ۱۱، مورد ۴ از بند الف	احداث فضاهای فرهنگی، آموزشی، تربیتی، هنری و ورزشی در مراکز جمعیتی نقاط محروم کشور
۵	تبصره‌ی ۷۴، بند الف	دولت موظف است با توجه به نقش محوری بخش‌های آب و کشاورزی منابع طبیعی در اهداف توسعه‌ی ملی و استقلال اقتصادی کشور اقدامات لازم را معمول دارد
۶	تبصره‌ی ۷۴، بند ب	در طول دوره‌ی برنامه در صورتی که اجرای طرح‌های جدید و یا افزایش حجم عملیات طرح‌های پیشنهادی، در جهت ارتقاء اهداف برنامه‌های بخش آب و کشاورزی خصوصاً در زمینه‌ی آب و خاک و امور زیربنایی و منابع طبیعی و اشتغال در زمینه‌ی صنایع روستایی ضروری تشخیص داده می‌شود، دولت می‌تواند حسب مورد بر اساس پیشنهاد وزارت‌خانه‌های کشاورزی، جهاد سازندگی و نیرو و با تأیید سازمان برنامه و بودجه نسبت به تأمین بودجه مورد نیاز از سر جمع اعتبارات جذب نشده عمرانی کشور، اقدام کند
۷	تبصره‌ی ۷۵، بند الف	تأمین اعتبار بخش‌های آب و کشاورزی از اولویت برخوردار شود
۸	تبصره‌ی ۷۵، بند ب	در تأمین مواد غذایی و فرآورده‌های دامی مورد نیاز کشور در سال پایان برنامه حتی‌الامکان به خودکفایی برسد

در برنامه‌ی اول توسعه در دولت کارگزاران، فصل مستقل و مجزا به توسعه‌ی روستایی اختصاص نداشت. در واقع فصل و یا بخشی به‌عنوان عمران روستایی در این برنامه مد نظر گرفته نشد و از این جهت مشابه برنامه‌های اول تا سوم عمرانی قبل از انقلاب بود.

برنامه‌های عمرانی روستایی در بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی به‌ویژه کشاورزی، آب، برق، مسکن، مخابرات، بهداشت و درمان، پست و ... پراکنده بود (صادقی، ۱۳۹۳). برنامه‌ی پنج ساله‌ی دوم توسعه کشور (۱۳۷۴-۱۳۷۸) در سال ۷۲ تدوین شد ولی به دلیل مشکلاتی که در روند تصویب آن بوجود آمد، با دو سال تأخیر اجرا شد. در این برنامه، هر چند برخلاف برنامه‌ی اول توسعه یکی از بخش‌های برنامه «عمران روستایی و عشایری» بود، که یکی از دو فصل آن به «عمران و نوسازی روستاها» اختصاص یافت. اما با توجه به بخشی بودن نظام برنامه‌ریزی بخشی از برنامه‌ها و طرح‌های توسعه و عمران روستایی در دیگر بخش‌های برنامه پراکنده شده‌اند. گزاره‌های رخداد ارتباطی نشان می‌دهد (تبصره‌ی ۱۱ موارد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ قانون دوم توسعه) که همچنان وجه غالب توسعه‌ی روستایی مجموعه‌ای از دال‌ها، حول دال مرکزی یعنی «عمران روستا» صورت‌بندی پیدا کرده بود. با دال‌های شناور چون، مسکن، برق، آب، فضاهای آموزشی، مخابرات، ورزشی، فرهنگی و هنری، در نتیجه معنای مترتب بر مدلول دال مرکزی عبارت بود از «نوسازی». اگر چه کشاورزی و تولید از دال‌های شناور گفتمان برنامه بوده‌اند، اما مطابق مدل تجربی فرکلاف از منظر زبانی، برخی گزاره‌ها، کلی و تقید آنها بر قطعیت دلالت و شفافیت ندارد. در گفتمان توسعه‌ی روستا، دال صنعت و تولید در حوزه‌ی گفتمان گونگی یا حاشیه قرار داشت. گفتمان توسعه‌ی روستا متأثر از گفتمان کلان حول رشد معنا پیدا کرده بود. با این تفاوت که روستا نسبت به شهر و کشاورزی نسبت به تولید در پیرامون بوده است. اتکاه دولت به اقتصاد نفتی و عدم سیاست جامع به توسعه و نگاه از بالا به پایین در گفتمان دولت نسبت به روستا نیز متصور است.

دولت سید محمد خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۷۶)

از مهم‌ترین ویژگی‌های دولت همسو با مجمع روحانیون مبارز تأکید بر ارزش‌های دموکراتیک است بر مبنای اساسنامه و بیانیه‌های مجمع، می‌توان دال مرکزی این حزب در قبل از سال ۱۳۶۷ و بعد از آن را به شرح ذیل نشان داد. نمودار زیر بر مبنای رویکرد لاکلاو و موفه و مفهوم بینا متنیت فرکلاف تنظیم شده است.



برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، شامل ۱۹۹ ماده و ۵۷ تبصره است که در آن هدف‌های کلی و خط‌مشی‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دفاعی و امنیتی کشور به تفصیل آمده است. برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۸-۱۳۸۴) شامل ۱۶۱ ماده و ۳۴ تبصره است که توضیحات مبسوط آن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ذکر شده است. یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اصلاحات ساختاری است، به همین دلیل پنج فصل از فصول فرابخشی برنامه به اصلاحات ساختاری در نحوه‌ی مدیریت اقتصاد کلان کشور اختصاص یافته است. به بیانی دیگر این برنامه، از نظر شکل و محتوا یک نوآوری در تنظیم برنامه‌های توسعه‌ی کشور به شمار می‌آید.

گفتمان توسعه اقتصادی جوامع روستایی در برنامه‌های دولت خاتمی

در برنامه‌ی سوم توسعه و عمران روستایی یکی از فصل‌هاست، که در آن متفاوت با برنامه‌های قبلی، ابتدا وضع موجود نواحی روستایی، مشکلات و تنگناهای این نواحی سپس چالش‌های توسعه و عمران روستایی بررسی شده است، در مرحله‌ی بعد به ترتیب سیاست‌های استراتژیک، سیاست‌های اجرایی در راهکارهای اجرایی فصل توسعه و عمران روستایی ذیل ماده ۱۳۷ برنامه‌ی سوم مطرح شده است.

الف) به منظور تسریع در امر توسعه و عمران روستاها و توجه ویژه به بهبود معیشت روستاییان، دولت مکلف است نسبت به انجام موارد زیر طی دوران برنامه اقدام کند (قانون برنامه سوم، ۸۳-۷۹: ۴۷-۴۶). گزاره‌های مربوطه در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: ماده و بندهای مرتبط با موضوع توسعه روستایی در برنامه سوم

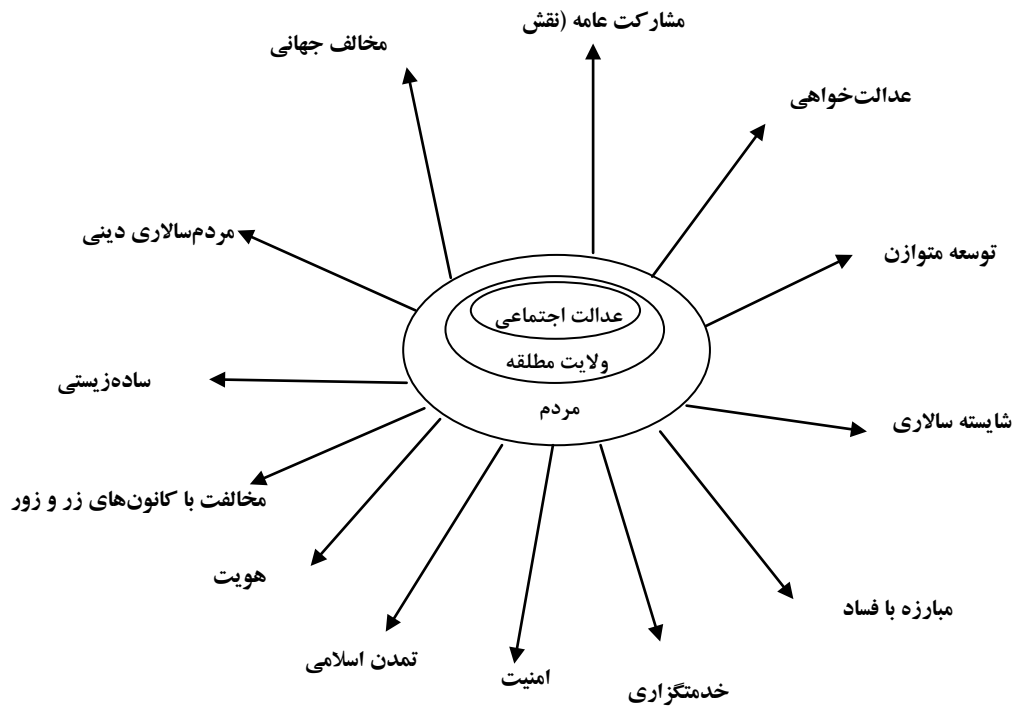
برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی		
ردیف	ماده	گزاره‌ها (رخداد ارتباطی)
۱	ماده ۱۳۷ - الف - ۱	تعیین نقش و قلمرو وظایف و ارتباطات دستگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط با توسعه و عمران روستاها در جهت سازماندهی مجدد و حذف فعالیت‌های مشابه و موازی
۲	ماده ۱۳۷ - الف - ۲	واگذاری بخشی از فعالیت‌های اجرائی دستگاه‌های دولتی به شوراهای اسلامی و دستگاه‌های محلی و مؤسسات و شرکتهای غیر دولتی.
۳	ماده ۱۳۷ - الف - ۳	تعیین ضوابط برای خدمات زیربنایی در محیط روستایی و سطح‌بندی و ارائه خدمات تجهیز فضاهای روستایی کشور بر اساس طرح‌های توسعه و عمران مصوب
۴	ماده ۱۳۷ - الف - ۴	حمایت از مؤسسات غیر دولتی تأمین‌کننده اعتبارات خرد از قبیل صندوق عمران و توسعه روستایی به منظور ارائه تسهیلات به روستاییان برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۵	ماده ۱۳۷ - الف - ۵	ساماندهی فضاها و سکونت‌گاه‌های روستایی به منظور توسعه هماهنگ و موزون فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی، از طریق توزیع مناسب جمعیت و استقرار بهینه خدمات در محیط‌های روستایی و حمایت از اجرای آن
۶	ماده ۱۳۷ - الف - ۶	حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و مردمی در محیط روستایی با تأمین تسهیلات مناسب به‌ویژه برای سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زا و پرداخت بخشی از سود تسهیلات اعطایی برای مناطق توسعه‌نیافته
۷	ماده ۱۳۷ - الف - ۷	ساماندهی کوچ و حمایت از اسکان عشایر داوطلب
۸	ماده ۱۳۷ - ج	دولت موظف است همه ساله اعتبارات خاصی را در لویح بودجه به نحوی پیش‌بینی نماید تا پس از پایان برنامه سوم، کلیه روستاهای بالای بیست خانوار از راه مناسب، مدرسه، آب شرب بهداشتی، برق و تلفن برخوردار باشند
۹	ماده ۱۳۷ - د	به منظور ایجاد اشتغال در مناطق روستایی به‌ویژه در مناطق توسعه‌نیافته، صندوقی تحت عنوان صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی با سرمایه‌های دولت و مردم تأسیس می‌شود

در جمع‌بندی مباحث یاد شده می‌توان گفت که مطابق دیدگاه لاکلاو و موفه، گفتمان دولت خاتمی در رابطه با دال عدالت اجتماعی ذیل گفتمان اصلاح‌طلبی در قالب نشانه‌ی مرکزی فقر و محرومیت‌زدایی مسدود و در مفصل‌بندی این گفتمان، حول نشانه‌ی مرکزی، نظام معنایی متشکل از دال‌های اصلی نهادسازی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، پرداخت سوبسید، اشتغال، هدفمندی یارانه‌ها و برنامه‌ی جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی و مشارکت بخش خصوصی شکل گرفته است. در برنامه‌ی توسعه‌ی دولت اصلاحات، گزاره‌ها نشان می‌دهد (ماده‌ی ۱۳۷ موارد ب و ج برنامه‌ی سوم توسعه)، معنای مترتب بر توسعه بر عمران روستا نیز برجسته بوده است. نکته‌ی مهم اینکه نگاه از پایین به بالا در برنامه‌ی توسعه‌ی سوم به نسبت دو برنامه‌ی اول و دوم دولت کارگزاران و برنامه‌ی پنجم دولت عدالت، بر مشارکت مردمی نیز تأکید داشته است (گزاره‌های ذیل ماده‌ی ۱۳۷ موارد ۱ و ۴ و ۶ بند الف برنامه‌ی سوم).

دولت محمود احمدی نژاد (۱۳۸۴-۱۳۹۲) و گفتمان راست اصول‌گرا

گفتمان راست سنتی به آزادسازی اقتصادی، مالکیت خصوصی و عدم دخالت گسترده‌ی دولت در تجارت خارجی و انحصاری نبودن بازرگانی خارجی باور داشت. نیروی سیاسی راست دیروز کسانی بودند که در زمان حیات امام خمینی، غالباً در درون حزب جمهوری اسلامی ایران بودند. این جریان راست (گذشته)، اصول‌گرایان امروز هستند. در سال ۱۳۸۴ در تبلیغات مواردی چون دولت اسلامی، دگرگونی در نگاه مدیریتی کشور به بیت‌المال، ساده‌زیستی و صداقت مسئولان، رویارویی با فساد و تبعیض، مبارزه با مافیای اقتصادی، عدالت محوری، بازگشت دولت به مردم، تأکید بر توسعه‌ی اقتصادی اسلامی، انتقاد از نظام بانکی، تمرکززدایی، حمله به توسعه‌ی سیاسی و آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم سامان می‌داد (ایزدی و رضایی پناه، به نقل از تاجیک، ۱۳۹۲: ۶۶). ایشان با گفتمان خود نشان داد که قصد بازتولید دولت شهید رجایی را دارند. با شبیه‌سازی ظاهری خود در پوشش و ساده‌زیستی همچون رجایی قصد خدمت به فرودستان یا همان مستضعفان را دارد که شعار انقلاب بود، که در گفتمان دولت‌های قبل از خود نادیده گرفته شد. توجه به اقشار پایین، حاشیه‌ای، روستایی، لایه‌های پایین طبقه‌ی متوسط و مهاجران از روستا به شهر، دگرسازی با غرب و نیروهای لیبرال در کشور و مرکزگی میان خودی و غیر خودی را برجسته نمایند و زمینه‌ساز برآمدن گفتمان اصول‌گرایی شده‌اند (ایزدی و رضایی پناه، ۱۳۹۲: ۶۸).

گفتمان دولت خدمتگزار



این گفتمان حاصل نقد دو گفتمان اصلاح‌طلبی و راست‌مدرن است، به بیان لاکلاو و موف با نقد عناصر گفتمانی اصلاح‌طلبان و پذیرش پاره‌ای از عناصر گفتمانی، گفتمان اصلاح‌طلبان، گفتمان بینابینی ایجاد کردند. اما دال مرکزی این گفتمان، همانند سایر گفتمان‌های اصلاح‌طلبان و راست‌مدرن است.

گفتمان توسعه اقتصادی جوامع روستایی در دولت احمدی‌نژاد

برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۹۳-۱۳۸۹) شامل ۲۳۵ ماده و ۱۹۲ تبصره است که در آن پیشرفت همراه با عدالت و استقرار الگوی ایرانی - اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. همانطور که جدول ۴ نشان داده است، در ماده‌ی ۱۹۴ و ذیل آن اقدامات مربوطه آمده است. دولت مکلف است به منظور بهبود وضعیت

روستاها در زمینه‌ی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، راهبری، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، ارتقاء سطح درآمد و کیفیت زندگی روستائیان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه‌ی روستایی، عشایری و جامعه‌ی شهری، حمایت لازم را از اقدامات (جدول ۴) به عمل آورد (قانون برنامه پنجم، ۱۳۸۹: ۱۴۸-۱۴۵).

جدول ۴: ماده و بندهای مرتبط با موضوع توسعه‌ی روستایی در برنامه‌ی پنجم

برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی		
ردیف	ماده	گزاره (رخداد ارتباطی)
۱	ماده‌ی ۱۹۴ - د	تدوین سیاست‌های تشویقی در جهت مهاجرت معکوس از شهر به روستا و تثبیت نسبی جمعیت روستایی تا آخر سال اول برنامه
۲	ماده‌ی ۱۹۴ - ه	بهسازی، نوسازی، بازسازی و ایمن‌سازی ساختار کالبدی محیط و مسکن روستایی مبتنی بر الگوی معماری اسلامی - ایرانی با مشارکت مردم، دولت و نهادهای عمومی
۳	ماده‌ی ۱۹۴ - ح	ساماندهی روستاها در قالب مجموعه‌های روستایی به منظور خدمات رسانی بهتر و مؤثرتر
۴	ماده‌ی ۱۹۴ - ط	احداث، ترمیم و نگهداری و ایمن‌سازی شبکه راه‌های روستایی
۵	ماده‌ی ۱۹۴ - ی	ارتقاء شاخص‌های توسعه‌ی عشایر از طریق اسکان و ساماندهی خانوارها
۶	ماده‌ی ۱۹۴ - ع	پیش‌بینی مکان‌های ورزشی برای جامعه‌ی روستایی
۷	ماده‌ی ۱۹۴ - ف	تهیه‌ی طرح‌های هادی روستایی و تعیین محدوده‌ی روستاها در سراسر کشور

در برنامه‌ی پنجم مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مصوب جلسه‌ی علنی مجلس شورای اسلامی، ذیل فصل ششم با عنوان توسعه‌ی منطقه‌ای، در ماده‌ی ۱۹۴ توسعه‌ی روستا با یک نگاه از بالا به پایین معنا شده بود. با رویکرد به نظریه‌ی گفتمان لاکلاو و موفه، گزاره‌های متن برنامه در حوزه‌ی توسعه نشان می‌دهد (ماده ۱۹۴ موارد، د، ل، ح، ط، ی، ع، و، ف، برنامه پنجم)، که گفتمان توسعه‌ی روستایی در برنامه‌ی پنجم، از دال‌هایی چون، طرح هادی، احداث مکان فرهنگی، جاده‌ی روستایی، بیمه‌ی ساختمان، مناسب‌سازی فضای عمومی، حفظ محدوده‌ی روستا، بهسازی، نوسازی، احداث، ترمیم، اسکان و سامان‌دهی عشایر در روستا و ساخت مکان‌های ورزشی صورت‌بندی گفتمانی شده بود. که می‌توان چنین فهم کرد که معنای توسعه‌ی روستا، با مجموعه‌ای از دال‌ها، حول دال مرکزی (دال برتر) «عمران روستا» مفصل‌بندی شده است. در گفتمان نوسازی روستا، دال‌هایی چون بخش صنعت و اشتغال‌زایی برجسته نبوده است. نوسازی و گستره‌ی خدمات به روستا، با گفتمان

دولت احمدی‌نژاد در جریان منازعات سیاسی عرصه‌ی انتخابات همخوانی نشان می‌دهد. ایشان، توزیع و خدمت به محرومان را برجسته کرده بود. برنامه‌ی پنجم همچون برنامه‌های قبل، معنای توسعه، بر عمران و سیاست از بالا به پایین محسوب می‌شود. عنصر مشارکت مردم و توسعه از پایین به بالا کم‌رنگ و در حاشیه بوده است. مطابق گفتمان انتقادی فرکلاف، نظم گفتمانی توسعه‌ی روستا بر حول نوسازی بوده، دیگر دال‌ها از جمله مشارکت محلی و بومی، صنعت و ... کلی و تقید لازم را نشان نمی‌دهند. پروژه‌ی مسکن مهر برای فرودستان شهری، روی دیگر گفتمان دولت اصول‌گرا به معنای توسعه را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری یافته‌های توصیفی و تبیینی

برای پاسخ به فرضیه‌ی تحقیق یافته‌ها نشان داده‌اند که معنای توسعه امری گفتمانی است که در عرصه‌ی منازعه‌ی سیاسی از طریق تمایز «خودی» و «غیر خودی» طرد و حاشیه‌رانی صورت گرفته است. سپس با هژمونی گفتمان غالب پس از منازعه بر معنای توسعه تعیین‌کننده بوده است. این فرایند، فرضیه‌ی تحقیق را پشتیبانی و تأیید می‌کند (منازعه صورت‌بندی گفتمان دولت اصلاحات در سال ۷۶ و دولت اصول‌گرا در ۸۴ و ۸۸). معنای توسعه در ایران، با فهم توسعه‌ی مورد نظر لاکلاو و موفه نیز فاصله نشان می‌دهد. زیرا منازعه بر مشروعیت ما / مخالف کم‌رنگ است. با مشاهده‌ی رخداد‌های از تباطوی جریان‌های سیاسی، برای پاسخ به چگونگی گفتمان‌های دولت‌ها، مطابق مدل سه بعدی تحلیل انتقادی فرکلاف، یافته نشان داده‌اند، در فرایند بینامتنی، با انشعاب در کنشگران سیاسی اسلام‌گرا، از راست سنتی، به راست (اصول‌گرایان) و از چپ سنتی به چپ (اصلاح‌طلبان)، از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۸۴ چرخش معنا رخ داده است. از درون راست سنتی و چپ سنتی کارگزاران شکل گرفته است. برای پاسخ به چگونگی گفتمان‌ها، یافته‌ها نشان داده‌اند که گفتمان توسعه‌ی دولت کارگزاران حول دال رشد، توسعه را معنا کرده و گفتمان‌های دولت اصلاحات بر معنای توسعه‌ی سیاسی، و دولت اصول‌گرای احمدی‌نژاد حول دال‌های توزیع و عدالت و خدمت به فرودستان، مفصل‌بندی شده بودند. در خصوص چگونگی گفتمان توسعه‌ی روستایی، یافته‌ها نشان داده‌اند که تقریباً با شدت و ضعف، گفتمان مسلط توسعه‌ی روستا در هر سه دولت، حول دال مرکزی عمران یا «نوسازی» صورت‌بندی شده بود. پیشینه‌ی تحقیق نشان می‌دهد که دال‌هایی چون صنعت، تولید و اشتغال پایدار توسعه‌ی روستایی در گفتمان هر سه دولت بعد از انقلاب همچون برنامه‌های قبل از انقلاب، تقریباً در حوزه‌ی گفتمان‌گونگی قرار گرفته‌اند، با این تفاوت که در

دولت‌های بعد از انقلاب گستره‌ی عمران روستایی بسیار چشمگیر بوده است. برای پاسخ به چگونگی گفتمان‌ها (سطح توصیف) و تحلیل و تبیین فرضیه‌ی رساله بر یکی از دولت‌ها تحلیل عینی‌تری صورت گرفته است. همان‌گونه که در نتایج توصیفی آمده است، گزاره‌های رخداد ارتباطی نشان داده‌اند (تبصره ۱۱ موارد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ قانون دوم توسعه) که همچنان وجه غالب توسعه‌ی روستایی مجموعه‌ای از دال‌ها، حول دال مرکزی یعنی «عمران روستا» صورت‌بندی پیدا کرده بود. با دال‌های شناور چون، مسکن، برق، آب، فضاهای آموزشی، مخابرات، ورزشی، فرهنگی و هنری، در نتیجه معنای مترتب بر مدلول دال‌های شناور و مرکزی عبارت بود از «نوسازی». گزاره‌ها نشان داده‌اند (ماده ۱۳۷ موارد ب و ج برنامه سوم توسعه دولت اصلاحات)، معنای مترتب بر توسعه‌ی بر عمران روستا نیز برجسته بوده است. نکته‌ی مهم اینکه نگاه از پایین به بالا در برنامه‌ی سوم توسعه به نسبت دو برنامه‌ی اول و دوم دولت کارگزاران و برنامه‌ی پنجم دولت عدالت و مهرورزی، پررنگ‌تر و بیشتر بر مشارکت مردمی نیز تأکید داشته است (گزاره‌های ذیل ماده ۱۳۷ موارد ۱ و ۴ و ۶ بند الف برنامه سوم). در گزاره‌های متن برنامه‌ی پنجم توسعه بعد از انقلاب در دولت احمدی‌نژاد، ذیل ماده‌ی ۱۹۴ موارد، د، ل، ح، ط، ی، ع، و ف، بر عرصه‌ی عمران روستا تأکید داشته‌اند، که با پیشینه‌ی تحقیق همخوانی نشان داده‌اند. با اختصاص ۳۳/۳۳ درصد از قوانین برنامه‌ی پنجم دولت اصول‌گرا، از مواد و تبصره‌های مرتبط با روستا نشان‌دهنده‌ی این امر است که این عرصه، بیشترین اهمیت از دیدگاه قانون‌گذاران را دارا بوده است و بعد از آن عرصه‌های مدیریتی و اقتصادی هر کدام با اختصاص ۱۷/۷۷ درصد بیشترین اهمیت را داشته‌اند (رحیمی، و توسلی، ۱۳۹۱). صورت‌بندی گفتمان غالب توسعه‌ی روستا معنای مترتب بر مدلول مجموعه‌ای از دال‌ها، بیانگر معنای توسعه با رویکرد عمران یا نوسازی برجسته بوده است. گفتمان دولت احمدی‌نژاد است که در عرصه‌ی منازعات سیاسی هژمونی و سپس حول دال توزیع انجماد پیدا کرده بود. خدمت‌رسانی به فرودستان و توزیع از جمله دال‌های گفتمان وی در منازعات سیاسی بوده است. دولت خود را دولت فرودستان نامیده بود. دال مستضعف که در حوزه‌ی گفتمان گونگی، گفتمان انقلاب بوده و توسط دولت‌های قبل به فراموشی و حاشیه سپرده شده بود. آن را برجسته کرد، با برجسته کردن آن و غیریت‌سازی (حامیان اشرافی‌گری) قطب‌بندی کرده بود. سعی در حاشیه‌رانی گفتمان قبل که حول تقدم رشد بر عدالت (کارگزاران) و برچسب اتهام به معنای توسعه در گفتمان توسعه‌ی سیاسی (اصلاحات)، سبب گردیده که گفتمان خود را صورت‌بندی و سپس هژمونی نماید. وی از این منظر یعنی خدمت‌رسانی و توزیع، توسعه را معنا کرده بود.

معنای توسعه در گفتمان کلان هر دولت متأثر از عرصه‌ی منازعه می‌باشد. همان‌گونه که دولت کارگزاران بر رشد و دولت اصلاحات بر مشارکت و توسعه‌ی سیاسی تأکید داشته‌اند. گفتمان توسعه‌ی اقتصادی دولت‌ها نسبت به روستا، معنای توسعه رویکردی از بالا به پایین معنا پیدا کرده بود. در مجموع، پیامد معنای توسعه در خصوص جامعه‌ی روستایی در دولت‌های بعد از انقلاب، غالب بودن نگاه از بالا به پایین، چنین قابل نتیجه است که نوع گفتمان توسعه‌ی روستایی دولت‌ها، خود به دشواری راه توسعه تبدیل شده است، زیرا موجب خالی شدن روستاها، فقر و نابرابری، و افزایش طبقات فرودستان شهری شده است. زیرا مطابق تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف گزاره‌های برنامه‌های توسعه در دولت‌ها با رویکرد به روستا، کلی بوده، از تقید قطعی در راستای توسعه‌ی پایدار برجستگی نشان نمی‌دهند (تدوین، اجرا، نظارت و ارزیابی). به‌عنوان نمونه در برنامه‌ی اول، توسعه‌ی روستایی کمرنگ دیده شده بود. در این مطالعه با تأسی از لاکلاو و موفه و واکاوی گفتمان‌ها و استنباط نگارنده تعریفی از توسعه را ارائه می‌دهم، مراد از توسعه‌ی توازن قدرت اجتماعی با قدرت سیاسی است، که با مشروعیت منازعه در قالب قطب‌بندی و تمایز بر پایه‌ی ما / مخالف بجای ما / دشمن، برخوردار باشد. به‌عبارتی توسعه یا معنای مترتب بر آن با رویکرد به یک دموکراسی شهروندمدار و تسامح‌نگر با تأکید بر امر سیاسی از طریق منازعه که از مشروعیت و ثبات برخوردار باشد، نیز قابل فهم است. این تعریف در گفتمان سیاسی بعد از انقلاب سیال و عمدتاً در حوزه‌ی گفتمان گونگی قرار داشته ولی کمرنگ جلوه و نمود دارد. لاکلاو و موفه با نقد مارکسیم کلاسیک و ساختارگرایی، و تأکید بر امر سیاسی و اولویت مشروعیت آزادی در راستای مشروعیت منازعه که امکان مبارزه در راستای دست یافتن به عدالت و برخورداری امکان سوژگی برای تغییر معنا و چرخش گفتمانی در صورت‌بندی گفتمان مسلط و دسترسی پیرامون و حاشیه بسوی کسب موقعیت و قدرت تأکید می‌شود، را می‌توان معنای توسعه فهم کرد. منازعه در ایران بر تمایز ما / دشمن بیشتر نمود دارد تا برخوردار بودن از مشروعیت و ثبات، حاشیه‌رانی بر پایه‌ی حذف و سخت‌افزاری (حبس و توقیف و ...) است. اما منازعه در ساختار سیاسی که متأثر از عوامل اجتماعی و اقتصادی است، میان صاحبان گفتمان یا قدرت برجسته بوده است. رویکرد گفتمان برنامه‌های توسعه در همه‌ی دولت‌ها بعد از انقلاب رویکرد لیبرالیستی مبتنی بر رشد و سیاست‌های بانک جهانی بوده است. نگاه به توسعه‌ی روستا از بالا به پایین و بیشتر بر حول دال عمران روستا معنا شده بود، و با پیشینه‌ی مطالعه، توسط رحیمی و توسلی (۱۳۹۱)، صادقی (۱۳۹۳) و جمشیدی‌ها و نوذری (۱۳۹۳)، همخوانی

دارد. در نتیجه یافته‌ها نشان داده‌اند که جامعه‌ی روستایی کمتر از طریق منازعه‌ی امر سیاسی مطالبات خود را بروز می‌دهد. نهادسازی و گروه‌های مدنی در جامعه‌ی روستایی برای نمایندگی کردن مطالبات جامعه‌ی روستایی از طریق امر سیاسی و اجتماعی یا وجود ندارد و یا کم‌رنگ و در حاشیه قرار دارد، لذا توسعه‌ی اقتصادی جامعه‌ی روستایی به همین نسبت در یک گفتمان یا رخداد ارتباطی همچون (متن برنامه) فاصله نشان می‌دهد. به عبارتی توسعه‌ی روستایی، توسعه از بالا به پایین بوده است. در تحقیق احمدی و بیدالله خانی (۱۳۹۲)، بر پیامد توسعه از بالا به پایین و نقد چنین نگاهی از منظر پساتوسعه تأکید داشته‌اند. با توجه نظریه‌های (کاتوزیان، ۱۳۸۶)، (علمداری، ۱۳۸۲) و (رنانی، ۱۳۹۲)، مبنی برخواستگاه جامعه‌ی روستایی و اتکاه دولت‌ها به نفت و اقتصاد رانته و تحقیق (دلفروز، ۱۳۹۳)، که نشان داده‌اند که بیش از ۵۰ درصد اعتبارات بودجه‌ی هر دولت به نفت وابسته است و تأیید نتایج رساله چنین می‌توان نتیجه گرفت که گفتمان توسعه‌ی اقتصادی دولت‌ها با اتکاه به نفت در پیرامون نگه داشتن روستا در عرصه‌ی توسعه تعیین کننده بوده است. پیشینه نشان می‌دهد که در قبل از انقلاب، به‌طور کلی پیش از استخراج و صدور نفت، کشاورزی یکی از منابع اصلی تأمین ارز در اقتصاد کشور بوده و سهم آن در تولید ناخالص ملی از ۳۶ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۱۴ درصد در سال ۵۶ کاهش پیدا کرده بود (علی قلی زاده فیروز جایی، و قدیری معصوم ۱۳۸۲). این روند در بعد از انقلاب شدت بیشتری پیدا کرده است. بعد دیگر مهم گفتمان توسعه که نتایج نشان داده‌اند، بیانگر آن است که فرایند و نگاه توسعه از بالا به پایین، در برنامه‌های دولت‌ها برجسته بوده است، چنین نگاهی دیگر بعد تبیینی این مطالعه است که بر بازندارندگی اولویت توسعه‌ی روستا در برنامه‌ی دولت‌ها بر آن تأکید می‌شود. معنای توسعه در برنامه‌های دولت‌ها بر رشد و بخشی‌نگری و به لحاظ گفتمانی، رویکرد لیبرالیسم و نولیبرالیسم را نشان می‌دهد، حتی در دولت اصول‌گرا که حول دال مرکزی خدمت به محرومان و عدالت، گفتمان خود را صورت‌بندی کرده بود، در عمل هم بیشتر در بعد عمران روستا با بیشترین سهم یعنی ۳۳ درصد در برنامه‌ی پنجم برجسته بوده است. دولت راست اصول‌گرا عملاً سیاست‌های لیبرالیستی را اجرا کرده بود. با تثبیت قیمت‌ها شروع کرد و با چرخشی متفاوت در آزادسازی قیمت‌ها ادامه داده بود. در دولت نهم و دهم نیز آن شعارهای غلیظ اجرای عدالت شوک درمانی و آزادسازی واردات در دستور قرار گرفته بود (مومنی، ۱۳۹۴). مؤمنی ضمن نقد به برنامه‌ی دولت خاتمی که خود از مشاوران ایشان بوده‌اند. نقد تندی بر دولت احمدی‌نژاد دارند. معتقد است که دولت اصول‌گرا، چپ‌گرایانه آواز سر داد و از راست

افراطی سر برآورد (۱۳۹۴). همه‌ی سیاست دولت احمدی‌نژاد رویه‌های کوتاه‌نگرانه داشت. وقتی می‌خواستند عدالت اجتماعی برقرار کنند، به جای ارتقای بنیه‌ی تولیدی کشور، گرایش‌های مصرفی را دامن می‌زدند. بر تناقض آلود بودن سیاست در این دولت تأکید دارند. از جمله بحث بنگاه‌های زودبازده، که به بحران نقدینگی و افزایش بیکاران افزوده شد. همچنین مسکن مهر که وارد شدن شوک بر قیمت‌های حامل‌های انرژی موجب افزایش هزینه‌های مسکن شده‌است (مومنی، ۱۳۹۴). به‌عبارتی دولت احمدی‌نژاد پوپولیسم اجتماعی و اقتصادی را برجسته کرده بود. گفتمان پساتوسعه‌گرایی بر توسعه بر معنای مشارکت و از پایین به بالا تأکید دارد؛ بنابراین نوسازی به تنهایی نمی‌تواند گویای توسعه‌ی پایدار باشد، زیرا همان‌طور که اسدی به نقل از دارالشفا (۱۳۹۳)، آورده‌اند «رفاه» نیز در اینجا نه به معنای تورهای اجتماعی مثل بهداشت، مسکن، آموزش و بیمه‌ها و ...، بلکه رفاه به مثابه ایجاد وقت فراغت لازم برای دخالت‌دهی و ایجاد مشارکت فعال (مردم) در ساختن جهان اجتماعی پیرامون خویش، مد نظر است. «برنامه‌ریزی» نیز در اینجا نه به مثابه جدول ارقام و اعداد که باید توسط گروهی از افراد نخبه و مدیران و ریاضی‌دانان و متخصصان سازمان‌های بوروکراتیک مرتب شوند، بلکه به‌عنوان شرکت فعال برنامه‌ریزی شوندگان اجتماعی در روند شکل‌گیری یک هدف و یا برنامه از پایین به بالا به منظور حرکت دادن جامعه به سمت رفاه همه‌جانبه، مورد توجه قرار می‌گیرد. به بیان دیگر شواهد نشان می‌دهد که امکان چانه‌زنی فرودستان روستایی، در عرصه‌ی اقتصاد سیاسی، کم‌رنگ و در حاشیه قرار دارد. سخن معاون دولت تدبیر و امید می‌تواند ابعاد وضعیت نگران‌کننده جامعه‌ی روستایی را آشکارتر نشان دهد، معاون توسعه‌ی روستایی و مناطق محروم معاون اول رییس جمهوری در جمع خبرنگاران گفت: درآمد مردم مناطق روستایی ۲۵ استان کشور منفی است (رضوی، شنبه، ۱۸ مرداد ۱۳۹۳). نتیجه اینکه گفتمان و معنای مترتب بر توسعه در برنامه‌های دولت‌ها، در کاهش فقر و نابرابری جامعه‌ی روستایی موفق نبوده است. بخشی‌نگری، فقر و پیرامون نگه داشتن روستا، متأثر از پیامد گفتمانی توسعه، که جامعه‌ی روستایی همچنان گرفتار آن است، برجسته نشان می‌دهد.

Reference:

Abdollahian, H. (2013). *The Absent Lord System in Iran*, translated by Gholamreza Jamshidi and Alireza Sadeghi, first edition, Tehran, Sociologists Publications.

Abrahamian, Y. (1997). *Iran between the two revolutions*, translated by Ahmad Golmohammadi & et. al., Tehran: Ney Publishing.

Ahmadi Amoei, B. (2006). *Political Economy of the Islamic Republic* (Interview with Ezatullah Sahabi, Mohsen Nourbakhsh, Hossein Adeli, Massoud Roghani Zanjani, Massoud Nili, Mohammad Ali Najafi), Tehran: New Step.

Ahmadi, H. and A. Bidollah Khani (2013). "Post-expansionism and critical representations of development discourse"; *Popular Approach, Iranian Social Development Studies Quarterly*, Fifth Year, No. 3, pp. 47-64.

Alamdari, K. (2003). *Why Iran lagged behind and the West moved forward*, Tehran, ninth edition, Development Publishing.

Ali Gholizadeh Firooz Jaei, N., and M., Ghadiri Masoom (2003). "The position of village and agriculture in development plans before the victory of the Islamic Revolution in Iran", *Geographical Research - No. 46*, pp. 130-115.

Asadi Abadi, R., Y. Darolshafa (2014). *Thesis Review Conference at the Faculty of Social Sciences, University of Tehran; Recovery from*; <http://faghr-falsafe.blog.ir/post/8>.

Behrooz Lak, Gh. (2007). *Globalization and Political Islam in Iran*, Tehran: Institute of Culture and Humanities.

Delfrooz, M. T. (2014). *Government and Economic Development, the Political Economy of Development in Iran and Developmentalist Governments*, Tehran, First Edition, Agah Publishing.

Fairclough, N. (2000). *Intuitive analysis of discourse*, translated by Fatemeh Shayesteh Piran et al., Tehran: Center for Media Studies and Research.

Five-year development plans, the fourth national scientific conference of geography students, Tehran, http://www.civilica.com/Paper-igscut04-igscut04_075.html.

Ghajri, H. A. and J. Nazari (2013). *Application of Discourse Analysis in Social Research*, Tehran, First Edition, Sociologists Publications.

Hazaveh, S. H. (2006). "The Impact of Development Policies in Iran on Dominant Western Patterns", *Quarterly Journal of Political Science*, No. 4, pp. 165-200.

Izadi, R., and A., Rezaei Panah (2013). "Social and Economic Foundations of Transformation in Dominant Political Discourses in the Islamic Republic of Iran", *Quarterly Journal of Political Science*, Fourth Year, No. 4, pp. 47-74.

Jamshidiha, Gh. and H. Nozari (2014). "Development Developments after the Iranian Revolution: From Rejection of Development to Different Meanings of Bahn", *Rural Development Quarterly*, Vol. 6, No. 1, pp. 48-25.

Jannat, M. S. (1996). *World Economy Newspaper*, No. 1156, 28/10/1385.

Jorgensen, M., and L. Phillips (2010). *Theory and Method in Discourse Analysis*, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing.

Katozian, M., A. Homayoun (2007). *Iran's Political Economy from Constitutionalism to the End of the Pahlavi Dynasty*, Tehran, 13th edition, Markaz Publishing.

Laclau, E. & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics* (London: Verso).

Laclau, E. (1990). *New Reflections on the Revolution of Our Time* (London: Verso) p. 34.

Law of the Fourth Economic-Social Development Plan of the Islamic Republic of Iran (2010-2014).

Management and Planning Organization (1989-1993). *Law of the First Economic and Social Development Program of the Islamic Republic of Iran*.

Management and Planning Organization (1995-2008). *Law of the Second Plan of Economic, Social and Social Development of the Islamic Republic of Iran*.

Management and Planning Organization (2000-2004). *Law of the Third Economic-Social Development Plan of the Islamic Republic of Iran*.

Management and Planning Organization (2005-2009). *Law of the Fourth Economic-Social Development Plan of the Islamic Republic of Iran*.

Piran, P. (2006). "Social policy, social development and its necessity in Iran", *Quarterly Journal of Social Welfare*, Vol. 6, pp. 137-135.

Razavi, S. A. (2014). The income of the villagers of 25 provinces is less than their expenses, IRNA news agency, News code: 2018.

Razzaqi, I. (2013). *Iran Zamin Economics*, Tehran, first edition, Ney Publishing.

Renani, M. and Moayedfar, R. (2011). *Cycles of the decline of ethics and economics*, first edition, Tehran, New Plan Publications.

Sadeghi Shahedani, M. and M., Ghaffari Fard (2011). "Pathology of Policy-Making in Eliminating Regional Inequalities in Iran's Development Plans", *Political-Economic Information Quarterly*, No. 290, pp. 124-137.

Sadeghi, M. (2014). The position of the village in macro development plans [Blog Note]. Retrieved from <http://ruralspace.ir/author/ruralspa>.

Soltani, S., A. Azghar (2012). *Power, discourse and language, mechanisms of power flow in the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Third Edition, published.

Tajik, M. R (2004). "Reform Movement, Towards a Theory", *Research, Political, Social Monthly of Religion*, New Volume, Third Issue.

Tajik, M. R. (1998). "Discourse Organizations and Multi-Speech Society", *Political-Social Quarterly of Discourse*, No. 2, Fall 1998.

Tajik, M. R. (2004). *Discourse, Anti-Discourse and Politics*, Tehran: Institute for Research and Development of Humanities.

Tajik, M. R. (2006). "Theory of Islamic Discourse and Studies", *Political Science Quarterly - Baqer al-Uloom University (AS)*, No. 35, pp. 261-284.

Tajik, M. R. and M. Rozkshosh (1998). "A Study of the Ninth Iranian Presidential Election from the Perspective of Discourse Analysis", *Quarterly Journal of Persian Language and Literature*, No. 61, pp. 83-128.

Twigg, J. (2002). *Social policy and the body*, in G. Lewis, S. Gewirts and J. Clarke (eds), *Rethinking Social Policy*, London: Sage.

Discourse Analysis of Economic Development of Rural Communities in Five-Year Plans of Iran's Post-Revolutionary Governments

Manouchehr Kordzangeneh (Ph.D)¹, Fereydown Vahida (Ph.D)²
Aliasghar Mohajerani (Ph.D)³

DOI: 10.22055/QJSD.2021.16832

Abstract:

The present study aims at investigating discourse analysis of economic development of rural communities in the Iranian post-revolutionary governments. Three governments of Executives of Construction (Kargozaran), Reformist, and Conservative (1989-2013) comprised the research scope. The propositions or communicative events were collected as the texts of development five-year plans and certain political movements based on which the governments took step. This study is a qualitative research which used a combination of Fairclough, Laclau and Mouffe Critical Discourse Analysis (CDA) methods as the conceptual framework and methodology basis. Findings show that distinctions made between "self" and "other" have caused exclusion and marginalization in political conflicts. The dominant discourse hegemony in conflicts has been effective and decisive over the concept of development, and this supports the research. The findings demonstrate that among the effective explanatory factors on rural development concept in discourses of the three governments are top-down approach, reliance on oil-based economy or "oil state", rural economy history, unnoticed grassroots development process, and paying more attention to certain sectors. Also, the bottom-up development approach was more significant during the Reformist government. Rural development and renovation have been held a significant position in the post-revolutionary governments. However, on account of discursive consequences resulted from the rural development position affected by discourses of governments including poverty, inequality, and loss of rural population which caused increased suburbanization and urban poor, the development process turned to be an uphill struggle.

Key Concepts: Discourse Analysis, Economic Development, Rural Communities, Five-Year Plans, Governments, Islamic Revolution of Iran

¹ Assistant Professor, Department of Social Sciences, Shushtar Branch, Azad University, Shushtar (Corresponding Author), Iran, m.kord@ymail.com

² Professor, Department of Sociology, Azad University, Dehaghan Branch, Dehaghan, Iran, f.vahida@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Sociology, Azad University, Dehaghan Branch, Dehaghan, Iran, a.mohajerani@gmail.com

